هفته نامۀ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکنند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان



در کشورهایی که نام از دموکراسی می برند، باید پارلمان شان رنگ دینی داشته باشد، باید فعالیت های فرهنگی شان به اساس ارزش ها عیار شود نه به اساس سلیقه ها.

از سخنان رهبر شهید

دور ششم –سال دوازدهم – شمارۀ بیستم و نهم ۴ عقرب ۱۳۹۲ ۲۱ ذوالحجه الحرام ۱۴۳۴ - October 2013 26

روابط افغانستان و تاجیکستان نسبت به هر زمان دیگر توسعه یافته است



◆ **عنایت**

حامد کرزی رئیس جمهور اسلامی افغانستان بنا به دعوت رسمی امام علی رحمان رئیس جمهوری تاجیکستان روز دوشنبه تاریخ ۲۹ میزان به این کشور سفر کرد.

رئیس جمهورکشور و هیئت همراه در ابتدای ورود با استقبال گرم همتای تاجیکستانی اش قرار گرفت. هدف از سفر رئیس جمهور را تقویت همکاری های دوجانبه گفتگو بر سر این مسایل تشکیل میداد.

در جریان این سفر هر دو طرف روی همکاری های دو جانبه و چند جانبه تأکید نموده سه موافقت نامه را به امضا رساندند.

دفتر ریاست جمهوری در بیانیۀ گفته است که این سفر دو روزه به دعوت رسمی امام علی رحمان، رئیس جمهوری تاجیکستان، انجام شده است.

طی این سفر طرفین سه سند همکاری را در عرصه های مین روبی، خدمات بیمه و موافقت نامه الحاقی برای تسهیل رفت و آمد از راه زمینی به شهروندان هر دو کشور به امضا رساندند. درعین حال هر دو طرف اعلامیه مشترک را در ۱۶ بند صادر نمودند که در آن بر اهمیت روابط هردو کشور در سطح ملی و منطقه ای و حتی جهانی با توجه به مشترکات فرهنگی و اهمیت تاریخی تأکید صورت گرفته است.

همچنان هردو کشور تأکید نمودند که انرژی برق تاجکستان از طریق افغانستان به ایران وکشورهای جنوب آسیا به ویژه پاکستان وصل گردد.

در گذشته هر دو کشور در بخش های مختلف از جمله راه و ترابری(ترانسپورت) انتقال کالاها، انتقال انرژی آبی و استرداد زندانیان موافقت نامه ها امضا کرده‌اند.

روابط افغانستان با همسایه شمالی تاجیکستان طی سال های اخیر توسعه یافته است و هر دو طرف از این روابط حسنه سود اقتصادی بیشتر برده اند.

حامد کرزی در یازده سال حکومت خود هشت بار به این کشور سفر نموده و پیامد های این سفرها تقویت و توسعۀ روابط طرفین نسبت به هر زمانی دیگر بوده است.

هر دو کشور با سرنوشت مشابه علاقمند هستند تا در بخش‌های مختلف از جمله مبارزه با تروریسم، افراط گرایی و همکاری‌های تجاری و ترانزیتی با هم روابط نزدیک داشته باشند.

افغانستان و تا جیکستان حدود ۱۳۰۰ کیلومتر مرز مشترک دارند و پیوندهای فرهنگی، زبانی و تاریخی روابط میان دو کشور را به طور معمول محک زده است. چالش های بالفعل نیز بر سر راه تقویت هر دو طرف وجود دارد که عبارت اند از قاچاق مواد مخدر و فعالیت گروه‌های شورشی در مسیر مرزهای هردو کشور که این دو چالش عمده از موارد نگرانی بین هر دو کشور بوده وگاه گاهی می تواند در برهم زدن ثبات و روابط دوجانبه مخیل واقع گردد.

اما روی هم رفته روابط افغانستان و تاجیکستان آنگونه که گفته شد به طور طبیعی تقویت می یابد و هر دو کشور با در نظرداشت منافع ملی نا گزیر هستند، در ایجاد و تقویت روابط دو جانبه تلاش های مشترک نمایند.

نوازشریف و گزینهء دشوار صلح با طالبان

◉ **ابوبکر سبزوار**

نوازشریف صدراعظم پاکستان در یک سفر رسمی راهی واشنگتن شد تا با مقامات قصر سفید در مورد مسایل سرنوشت ساز برای پاکستان به مذاکره بپردازد. بعد از انتخابات اخیر در پاکستان که حزب مسلم لیگ را جانشین حزب مردم ساخت و نوازشریف صدراعظم پاکستان شد، این نخستین سفر وی به امریکا بود.

در انتخابات اخیر پاکستان، گروه هائی برندهء انتخابات شدند که به مردم وعده داده بودند در صورت رسیدن به قدرت، با طالبان از درمذاکره پیش خواهند آمد و این مشکل را نه با توسل با نیروی نظامی بلکه از راه مذاکرات حل خواهند کرد.

بعد از بقدرت رسیدن نواز شریف، تماس هائی بصورت غیرمستقیم میان نماینده گان حکومت و طالبان صورت گرفت. طالبان پاکستانی برای مذاکرات دو شرط را فراراه حکومت پاکستان نهادند:

اول: توقف کامل حملات طیارات بی سرنشین در مناطق قبایلی.

دوم: خروج کامل نیروهای اردوی پاکستان از مناطق قبایلی و سپردن اداره‌ء آن به ملیشه های محلی.

بنابراین هدف اصلی و اساسی سفر نوازشریف به امریکا، حل مشکل حملات طیارات بی سرنشین به مناطق قبایلی است و همزمان با سفر وی، گزارشی از طرف یک نهاد مهم حقوق بشر در سطح بین المللی به نشر رسید که در آن حتی احتمال اینکه این گونه حملات، جنایت جنگی بشمار آید نیز رد نشده است.

پاکستان در جنوب آسیا برای اهداف امریکا اهمیت حیاتی دارد. یک کشور درگیر بحران که دهها سال توسط سیاستمداران فاسد اداره شده و همیشه نیازمند کمک های مالی از جانب امریکا بوده است، در مقایسه به هندوستان که یک ابرقدرت منطقه ای است و اقتصادی روبه رشد دارد، پاکستان ابزاری مناسب تر برای مقاسد امریکا در این منطقه از جهان به شمار می رود. همزمان به سفر نواز شریف به واشنگتن، دولت امریکا اعلام نمود که کمک مالی به پاکستان را از سرگرفته و بیش از یک ملیارد دالر در اختیار این کشور خواهد نهاد.

نوازشریف در شرایطی برای بار سوم زمام امور در پاکستان را بعهده گرفته که این کشور با شورش و جنگ داخلی مواجه است. در مناطق قبایلی، مقاومت طالبان پاکستانی برای حکومت مرکزی بشدت مشکل ساز گردیده و جنگ های اردوی مجهز و قدرتمند پاکستان هم از مهار آن باز مانده است. در ایالت بلوچستان، تجزیه طلبان بلوچ براي حکومت مرکزی بحدی مشکل ساز شدند که نواز شریف مجبور شد تا حکومت این صوبه را به جناحی از مخالفین معتدل بلوچ بسپارد به این امید که بلوچ های ناراضی را به سازش تشویق نماید. محاکمهء پرویز مشرف حاکم نظامی سابق به اتهام قتل نواب اکبرخان بکتی بخشی از همین تلاش ها به منظور راضی ساختن بلوچها است.

از جانب دیگر ایالات متحدهء امریکا در حالیکه در مناطق قبایلی علیه طالبان دست به



حملات با طیارات بی سرنشین می زند اما در قبال قیام مردم بلوچ در پاکستان، با قیام کننده گان تا حدی همدردی دارد. تجزیه طلبان بلوچ در کانگرس امریکا هواداران خود را دارند. گفته می شود که سیاست دوگانه در **ص۴**

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: شهید استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس:وزیر محمد اکبرخان سرک۱۵کوچه B5خانه نمبر۲۶۲
شمارهٔ تلفن:۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵/ ۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo&hotmail.com

سرمقاله

نگرانی از وضعیت امنیتی

نزدیک شدن به انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی سال ۱۳۹۳ و دغدغه های خروج قوای خارجی و عقد پیمان امنیتی با امریکا، نبود امنیت سراسری، موجب نگرانی شهروندان کشور گردیده است. دیده شد که دشمنان مردم افغانستان حتی در روز عید، از سنگدلی و قصاوت کار گرفتند، ارسلا جمال والی لوگر را شهید و تعدادی از شهروندان آنولاء را با به جابجایی ماین در یک جلد نسخهٔ قرآن شریف درمسجد جامع، مجروح گردانیده، خوشی و سرور عید را به ماتم تبدیل نمودند.

ریاست عمومی امنیت ملی نیز طی اعلامیهٔ، هفتهٔ گذشته به کاندیداهای ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی هشدار داد، اطلاعات استخباراتی می رساند که دشمنان مردم افغانستان به اشاره بیگانگان در نظر دارند تا این روند مردمی – انتخابات - را با انجام اعمال دهشت افگنانه با استفاده از شیوه های جدید تخریبی و تروریستی مختل نمایند. بناءً به منظور دفع خطرهای احتمالی مواردی را جهت حفظ امنیت شان تذکر داده است که باید رعایت نمایند.

تا افغانستان از مزایای صلح دایمی بهره مند نگردد و مراکز اصلی مخالفان مسلح و حمایت کننده گان آنها شناسایی نشود و در محو کامل آنها دولت افغانستان با همکاری جامعهٔ جهانی نکوشند، همان طوری که در یازده سالی که پشت سر گذشتاندیم سال های دیگر، نا امنی راه خواهد پیمود و درد و مصیبت وارده از این نا امنی متوجه مردم افغانستان خواهد بود. زیرا در پشت نا امنی های کشورما و در حمایت نیروهای مخالف مسلح دولت، کشورها و دستگاه های استخباراتی و با تجربهٔ قوی سیاسی وجود دارند، برون رفت از این چالش کلان، برنامهٔ مدبرانه و قاطعانه می طلبد که تا حال دولت در این زمینه کوتاه آمده است.

این یک امر مسلم است که بدون همکاری صادقانهٔ خود افغان ها، جامعهٔ جهانی، کشورهای همسایه، به خصوص پاکستان استقرار صلح در کشور بعید به نظر می رسد. سالهاست که گفته می شود کلید حل معضلهٔ افغانستان در دست پاکستان است. اما هراز گاهی که این دو کشور با هم نزدیک می شوند، به زودی تنش ایجاد می شود، فرصت نمی دهد تا پاکستان کمکی را که به صلح بیانجامد، نماید و یا اصلاً ارادهٔ صلح وجود ندارد. در پی سفر نوازشریف به امریکا، به سلسلهٔ تکرارهای همیشگی، بازهم هفتهٔ گذشته شورای عالی صلح افغانستان از امریکا تقاضا نموده است تا پاکستان را وادار به همکاری در آوردن صلح در افغانستان نماید.

تأمین امنیت و استقرار صلح دایمی و ختم جنگ و رسیدن به آرامش و ثبات و سرانجام چاره اندیشی، متوجهٔ دولت افغانستان است تا به این نگرانی ها نقطهٔ پایان بگذارد و از همه مهمتر باورهای مردم را تقویت نماید زیرا بی اعتمادی و بی باوری مردم نسبت به حاکمیت، چرخ ماشین دشمنان را به گردش خواهد آورد.

دشواری های قرارداد امنیتی

وحید «مژده»

بعد از ماهها بحث و جدل های سخت و توانفرسا میان سفیر افغانستان در امریکا از یکطرف و مسوولین دفتر نماینده گی خاص امریکا برای افغانستان از جانب دیگر، سرانجام بخشی از مسایل تخنیکی تفاهم نامهء امنیتی میان افغانستان و امریکا روی کاغذ آمد اما از آنجائی که بخشی از مواد این توافقنامه میان دو جانب به دلیل معیار های متفاوت در تعبیر و تعریف یک سلسله مفاهیم کلیدی با بن بست مواجه گردید که تصمیم در مورد آن در توان نماینده گان دو طرف نبود، برای تصمیم گیری در چنین موارد حساس، موضوع به کمیسیون بلند پایه تر سپرده شد.

رئیس جمهور کرزی از قبل گفته بود که امریکا قصد خروج از افغانستان را ندارد و این کشور برای حضور در افغانستان خواهان ۹ پایگاه نظامی در افغانستان می باشد. کرزی تلویحا به ناتوانی افغانستان در رد این خواست امریکا اشاره کرد اما گفت که سعی خواهد کرد تا به توافقی با امریکا دست یابد که در آن به ادبیات آقای کرزی »نه سیخ بسوزد و نه کباب .«وی گفت که این تفاهم نامه نباید حاکمیت ملی افغانستان را زیر سوال ببرد. در مورد دیگری وی به این مسئله اشاره کرد که در این تفاهم نامه روی دو مسئله با جانب امریکا اختلاف دارد:

موضوع تعریف از تجاوز.

مسئلهء دست باز نیروهای خارجی در عملیات نظامی در افغانستان.

امریکائی ها تلاش داشتند تا این تفاهم نامه هرچه زود تر و قبل از آغاز کمپاین انتخاباتی کاندیدا های ریاست جمهوری به امضا برسد تا جلو رسانه ای شدن این ماجرا گرفته شود. به همین دلیل تا کنون هیچ متنی از این تفاهم نامه در اختیار رسانه ها قرار نگرفته و حتی مشخص هم نیست که این سند یک قرار داد است ویا یک توافق نامه. تاکید امریکا بر امضای این سند قبل از ۳۱ اکتوبر ۲۰۱۳ از یکطرف و مجهول بودن مواد آن از جانب دیگر، خود این سوال را بمیان می آورد که دلیل این عجلهء توام با پنهان کاری چیست؟

تعریف از تجاوز:

حامدکرزی تاکید دارد که در این توافق نامه باید تجاوز بصورت روشن تعریف گردد درحالیکه امریکائی ها همیشه از تعریف های مشخص که برای آنان الزام آور باشد، خودداری ورزیده اند. امریکا از قبل به حکومت افغانستان خبر داده که بعد از سال ۲۰۱۴ جنگ آنان در افغانستان از جنگ علیه شورشگری به جنگ علیه تروریسم تغییر خواهد کرد. جنگ علیه شورشگری به عهدهء نیروهای افغان خواهد بود و امریکا فقط در جنگ علیه تروریسم شرکت خواهد داشت. این درحالیست که کرزی بارها تاکید نموده است که تروریسم در روستا های افغانستان نیست.

حکومت کرزی از نامشخص بودن مرز میان جنگ علیه شورشگری و تروریسم نگران است.» قبلا هم مقامات امریکائی جنگ افغانستان را یک جنگ داخلی خوانده بودند که موجب خشم حکومت افغانستان شده بود .«کرزی از سالها بدینسو مدعی است که مراکز تروریست ها در آنسوی سرحد افغانستان با پاکستان قرار دارد نه در روستا های افغانستان. کشته شدن اسامه بن لادن در پاکستان نشان از حمایت پاکستان از تروریسم دارد اما امریکا در برابر این کار های پاکستان خاموش بوده است.

تاکید حامدکرزی بر تعریف روشن از تجاوز به این معنی است که اگر حتی یک فرد مسلح هم از آنسوی مرز به افغانستان به منظور جنگ داخل شود، این کار باید تجاوز کشور همسایه به حریم افغانستان تلقی شده و امریکا و متحدینش علیه آن کشور دست به اقدام بزنند.

امریکا در طول دوازده سال گذشته حتی در بد ترین شرایط که مرز های شرقی افغانستان ماهها مورد اصابت توپ و موشک از جانب پاکستان قرار داشت، نه تنها در این مورد عکس العمل نشان نداد بلکه از چنین واقعات بشکل مسخره ای ابراز بی اطلاعی می نمود! اکنون کرزی می خواهد تا با تعریف از تجاوز، وسیله ای برای فشار بر پاکستان بدست آورد تا در چنین موارد، جامعهء جهانی اگر از حملهء نظامی بر پاکستان حمایت نمی کند، لااقل تعزیرات اقتصادی بر پاکستان وضع نماید.

از طرف دیگر امریکائی ها این خواست افغانستان را هم رد کرده اند که در صورتی که افغانستان مورد حملهء کشور دیگری قرار گیرد، باید از افغانستان دفاع نماید. به نظر می رسد که زمانی که کرزی توافق نامه استراتژیک را در سال گذشته با اوباما به امضا رسانید، این مسئله را پیشبینی نکرده بود زیرا در آن توافق نامه آمده است که نیروهای خارجی، از افغانستان بعنوان نقطهء آغاز حمله علیه کشور دیگری استفاده نخواهند کرد.

از جانب دیگر در جریان مذاکرات، امریکائی ها به جانب افغانستان گفتند که بخش بزرگی از مرزهای افغانستان با پاکستان نامشخص است و به همین دلیل امریکائی ها در شرایط فعلی حاضر نیستند تا در منازعات سرحدی میان دو کشور دخالت نمایند. امریکائی ها از افغانستان خواسته اند تا بعد از امضای این توافق نامه، باید موضوع خط سرحدی دیورند با پاکستان را حل نمایند. از نظر امریکا، نفوذ جنگجویان از پاکستان به افغانستان بیشتر به دلیل نامشخص بودن خط سرحدی است.

چگونگی عملیات نظامی نیروهای خارجی بعد از ۲۰۱۴:

بر بنیاد این تفاهم نامه، نیروهای خارجی بعد از سال ۲۰۱۴ نیز در عملیات نظامی در داخل قلمرو افغانستان علیه آنچه که خود »جنگ علیه تروریسم «می نامد، دست باز خواهد داشت. امریکائی ها در جریان مذاکرات با جانب حکومت افغانستان به تفاهم نامهء قبلی که میان فرمانده نظامی امریکا در سال ۲۰۰۲ و داکتر عبدالله و یونس قانونی وزرای خارجه و داخلهء آن زمان افغانستان استناد می کنند و می گویند که آن سند باید اساس توافق نامهء جدید امنیتی میان دو کشور باشد که دستگیر و زندانی کردن اتباع افغانستان هم بخشی از آن خواهد بود.

دست باز در عملیات نظامی اگر از یکطرف نقض حاکمیت ملی افغانستان است، از جانب دیگر نیازمند قبول مورد بسیار مهم دیگر در این توافق نامه یعنی قبول مصوونیت قضائی برای نیروهای خارجی بعد از سال ۲۰۱۴ خواهد بود. در طول دوازده سال گذشته در عملیات نظامی نیروهای خارجی تعداد زیادی از غیرنظامیان بخصوص در روستا های افغانستان کشته شده و تعداد بی شماری هم به ظن رابطه با القاعده و طالبان دستگیر و سالها را بدون محاکمه در پشت میله های زندان نیروهای امریکائی گذشتانده اند.

امریکائی ها می گویند که بعد از سال ۲۰۱۴ عملیات نیروهای آنان در هماهنگی با نیروهای افغان صورت خواهد گرفت اما این همان وعده ای است که آنها در گذشته نیز بعد از هر عملیات خودسرانه به حکومت افغانستان سپرده اما به آن عمل نکرده اند. یکی از دلایل گسترش دامنهء نالمنی ها و جدائی مردم از حکومت در افغانستان نیز همین مشکل بوده است. حالا اگر فرض را بر این بگذاریم که حکومت افغانستان این خواست امریکائی را بپذیرد اما امریکا به آن عمل نکند، حکومت افغانستان به کدام مرجع بین المللی شکایت خواهد کرد و کدام مرجع بین المللی توان پرداختن به این شکایت را خواهد داشت؟

موضوع مصوونیت قضائی:

مصوونیت قضائی سربازان امریکائی مسئله ای است که امریکا حاضر به معامله در آن مورد نیست و اگر افغانستان هم مانند عراق آنرا رد کند، نیروهای امریکائی باید افغانستان را ترک نمایند.

در مذاکرات میان هیئت های امریکائی و افغان، این مسئله مورد بحث قرار گرفت. پیشنهاد جانب افغانی این بود که باید تخلفات نیروهای خارجی در دو بخش مورد بررسی قرار گیرد؛ اگر جنایتی در داخل پایگاه اتفاق می افتد، مجرم باید مطابق به قوانین امریکا محاکمه گردد اما اگر سربازان خارجی در خارج از پایگاه دست به تخلف و یا جنایت می زنند، باید مطابق به قوانین افغانستان مورد پیگرد قانونی قرار گیرند.

امریکائی ها گفتند که این خط قرمز است زیرا قانون اساسی امریکا اجازهء محاکمهء یک تبعهء امریکائی را طبق قوانین کشور های دیگر نمی دهد. آنها برای فریب اذهان مردم افغانستان در قرارداد امنیتی ذکر کرده اند که در صورتی که جنایتی از جانب نیروهای امریکائی علیه مردم افغانستان صورت می گیرد، در آن صورت فرماندهان امریکائی و افغان این مسئله را مورد بررسی قرار می دهند و سرباز یا سربازانی که دست به چنین جنایت زده اند، محاکمه می شوند با این تفاوت که تصمیم نهائی در مورد محل محاکمه را فرمانده امریکائی می گیرد!!

لویه جرگه:

اخیرا وزیر خارجهء امریکا در یک سفر غیر منتظره به کابل آمد و ساعتها را به مذاکره در پشت درهای بسته با حامد کرزی سپری کرد. گفته می شود که جان کری سعی نمود تا روی مسئلهء مهم مصوونیت قضائی برای سربازان امریکائی در افغانستان تا آیندهء نامشخص بعد از سال ۲۰۱۴ کرزی را وادار به کنار آمدن نماید اما کرزی که می داند این کار می تواند برای وی به مصابهء یک انتحار سیاسی باشد، نخواست در این مورد کوتاه بیاید. او در کنفرانس مشترک با کری حتی این مسئله را که مصوونیت قضائی در این نشست مطرح بحث قرار گرفته باشد هم انکار کرد و گفت که از آنجائی که تصمیم در این مورد از توان حکومت افغانستان بالاتر است، ملت افغانستان در لویه جرگه و پارلمان کشور در این مورد فیصله خواهد کرد.

این نکته قابل تذکر است که سال گذشته حامدکرزی لویه جرگه ای را به منظور تصمیم گیری در مورد توافقنامهء استراتژیک با امریکا فرا خواند. هرچند شرکت کننده گان در آن لویه جرگه از میان هواداران حکومت دست چین شده بودند اما در پایان، شرکت کننده گان بیش از ۶۰ مورد را بعنوان نکاتی نشان دهی کردند که باید در آن توافق نامه از جانب افغانستان در نظر گرفته شود. شرکت کننده گان در آن لویه جرگه موضوع مصوونیت قضائی سربازان امریکائی در افغانستان را به هیچ صورت قابل قبول ندانستند. اکنون مشخص نیست که در موردی که قبلا رد شده است، چرا باید بار دیگر لویه جرگه را فرا خواند؟

در جریان کنفرانس مطبوعاتی میان کرزی و کری، کرزی از پیشرفت در مذاکرات سخن گفت اما از سخنان جان کری چنین بر می آمد که وی زیاد به آینده خوشبین نیست. به همین دلیل وی گفت که اگر موضوع مصوونیت قضائی از طرف افغانها رد شود، امریکا نیروهایش را بصورت کامل از افغانستان بیرون خواهد کرد.

غربی ها از همین اکنون درصدد ذهنیت سازی برای قبول این توافق نامه با افغانستان اند. تعطیلی بخشی از سفارت آلمان به بهانهء تهدیدات امنیتی، اعلام سازمان جاسوسی انگلستان برای افزایش جاسوسان این کشور در افغانستان به بهانهء ضعف نهاد های استخباراتی افغانستان، بخشی از همین برنامه های تغییر ذهنیت است و انتظار می رود در آینده نیز شاهد صحنه سازی هائی بیشتری از این دست باشیم. در نشست ناتو در بروکسل هم سرمنشی ناتو گویا با استناد به سخنان بسم الله محمدی وزیر دفاع افغانستان ابراز امیدواری نمود که این قرارداد امضا خواهد شد اما باید در نظر داشت که امضای این قرارداد دارای بار سنگین مذهبی است که فضای لویه جرگه را نمی توان از آن برکنار نگهداشت.

از نظر تعالیم اسلام، حضور مسلط و جابرانهء نیروی نظامی غیر مسلمانان در بلاد اسلامی شرعا ناروا و ناجایز است و همین موضوع موجب شد تا پارلمان عراق به تقاضای مصوونیت قضائی برای سربازان امریکائی در خاک عراق جواب رد بدهد و امریکا نیز نیروهای خود را از آن کشور بصورت کامل خارج نمود.



مشروعیت رهبری و نظام از قاطعیت های رهبر شهید

محمد نسیم فقیری

می دانیم که شهید استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد و مقاومت، رئیس جمهور سابق و رهبر جمعیت اسلامی، در سال های قبل، در دوران اخیر سلطنت، از میان بزرگان جمعیت اسلامی، به حیث رهبر جمعیت اسلامی انتخاب گردیدند و طوری که بارها در این هفته نامه و در سایر نشریه ها ذکر شده است، از اخیر سلطنت تا زمان شهادت، به حیث رهبر و مرشد جمعیت اسلامی افغانستان، بار سنگین رسالت و مسوولیت ها را با وجود مشکلات و دشواری های زیاد، متقبل شده بودند.

گفته شده که رهبر جمعیت اسلامی، یک شخص نهایت نرم خو، معقول، انعطاف پذیر، با گذشت و اغماص و در یک کلمه حلیم بوده اند.

در مورد خصوصیات و ویژه گی های رهبر شهید، بسیار گفته و نوشته شده که شخصیت بس بزرگ و حلیم و در عین حال بسیار صریح و قاطع بودند...

چرا رهبر شهید، سال های مسؤولیت ریاست جمهوری را از پایتخت تا کوه ها و دره ها با خود می برد و در انواع جنگ ها، درگیری ها، مصائب و مشکلات بی شمار، آن را حتی یک لحظه برزمین نمی گذاشت و چرا پس از همه مشاجره ها و بحث ها و اختلافات میان اعضای جمعیت در سال های قبل از کودتای ثور، حتی حاضر نشد یا یک لحظه از رهبری جمعیت و مشروعیت آن، شانه خالی نماید و این دو دلیل آشکار صراحت و قاطعیت آن بزرگمرد تاریخ است!

پس چرا همچو اجر بزرگ، پس از اجتماع گروه هایی از مردم و مجاهدین در جلسه بُن در سال ۱۳۸۰ و پس از توافق همگان بر ادارهٔ موقت، این شخصیت بزرگ، حاضر شد تا با وجود عدم توافق تعدادی اندک از همراهان، به صورت داوطلبانه و تاریخی در طول تاریخ دراز سرزمین ما، نخستین انتقال مسالمت آمیز قدرت را رقم زند؟

این است درجهٔ اعلای نرمش و دسترسی به صلح و آرامش و گذر از قدرت که در قاموس بعضی ها تحمل ناپذیر است!

این انعطاف و نرمش و آن صراحت و قاطعیت، برای چیست؟ و چرا رهبر ملی افغان ها با آن همه دانش و تقوای دینی و سیاسی، به این نرمش و آن قاطعیت پرداخت و دلایل آن چیست؟

۱- رهبر شهید، رهبر انتخابی همه جمعیتی ها بود. همه بزرگان در آن جلسه تاریخی، و در زمان بحث ها و مشاجره ها در مهاجرت در قبل از کودتای ثور، یا به شهادت رسیده و یا هنوز به مهاجرت نیامده بودند، فقط آقای حکمتیار از جمع بزرگان که در زمان جلسه انتخاب رهبر جمعیت، در زندان دهمزنگ بود، در مهاجرت وجود داشت و بس!

پس رهبر جمعیت با وجود این که می دانست، همراهان او بسیار کم اند و جمع کلان به دور آقای حکمتیار قرار گرفته اند، حاضر نشد تا رای اکثر برادران را بپذیرد و رهبری را واگذار نماید! رهبر جمعیت از مشروعیت رهبری دفاع می کرد و استدلال داشت که جمع بزرگی از جمعیت ها در زندان و یا بیرون از آن اند و من نمی توانم که رای آنها را نادیده بگیرم و از آن انصراف نمایم!

شهید عنایت الله عمید از پچیر و آگام ننگرهار که در مهاجرت به استاد عبدالله شهرت داشت، از محصلین پوهنحی ساینس بود که به دلیل نمرات بالا از دارالمعلمین عالی ننگرهار به فاکولتهٔ ساینس پوهنتون کابل راه یافته بود... او از برادران نزدیک ما بود و سال ها قبل در دوران سلطنت و در مظاهرات ننگرهار با ایشان بودیم و هم زمانی او در اخیر سال ۱۳۵۰ به اجتماع جمعیت در مهترلام مرکز لغمان آمده بود... او در اتاق لیلیه با برادرم مرحوم محمد قسیم فقیری که محصل اجتماعیات آن دارالمعلمین بود، هم اتاقی بود... زمان هجرت من به پشاور یک شب در سرک عمومی پشاور به راولپندی در منطقهٔ مترو که منزل آقای حکمتیار نیز آنجا بود، پس از ملاقات و دیدار با حکمتیار، استاد عبدالله من را تا این سرک عمومی همراهی کرد و حرف های تاریخی در مورد نهضت و جمعیت را گفت. من طوری که بارها نوشته ام، تکرار می کنم که ما به حیث افراد مسلمان، در همه صحبت ها و نوشته ها، هر گاه از کدام برادری که شهید و یا زنده است، نقل قوم می کنم، به دلیل پاسخگویی به خداوند متعال در روز آخرت، باید جداً مواظب و محتاط باشیم و یک حرف را کم و زاید نگوییم... استاد عبدالله به من چنین گفت:

من به او سابقه فعالیت ها و از جمله تعهدی را که ضمن سفر مخفی در اخیر سال ۱۳۵۳ به سرخرود با وی داشتم، بیان کردم (در آن سال مرحوم استاد محمد عباس مشفق که مسؤول ولایت لغمان بود، بنابر دلایلی نتوانست به سرخرود برود و از من خواهش کرد تا بروم و برنامهٔ رهبری را با خود بیاورم... در جلسه ای که استاد عبدالله مسؤول شرقی آن را هدایت می کرد، از برنامهٔ ترور افراد دولت و کمونیست ها سخن گفت و یک ورق کتابچهٔ بزرگ را قدری باز کرد و من فقط نام احسان انتظار را دیدم که معلوم می شد در آن لیست یا حد اقل در آن صفحه نام اول بود... شاید مصنف سرود ملی دوران داوود خان بوده باشد!

در آن ملاقات یک یا دو ساعته که افراد ریش دار و تفنگ بدست را دیدم، اولین باری بود که با این قیافه های جدید آشنا می شدم، زیرا فقط مولوی حبیب الرحمن و داکتر محمد عمر در جمع بزرگان ما در آن زمان ریش گذاشته بودند... استاد عبدالله بعد از ختم جلسه، تا دریا با من آمد و رمزیا الله را نوشت که در نامه ها نشانی باشد و نامهٔ من نیز شریف الله گذاشته شد که از سال ۵۳ تا آخرین سال های هجرت و حتی امروز نیز بعضی ها به این نام مرا می شناسند و در جراید و مجلات دوران هجرت، اکثر به همین نام مقالات من نشر می شد...)

در آن زمان، عبدالعظیم از قریهٔ باغمر رای مرکز لغمان که از همصنفان من بود، در حالی که مشغول تحصیل در صنف دوازدهٔ لیسهٔ روشان بود، برای عملیات مسلحانه فراخوانده شده بود و در پشاور آماده گی آشنایی با اسلحه را می گرفت... غیبت عبدالعظیم برای ما یک مشکل بود و در صنف و محیط، از ما می پرسیدند و چاره ای نداشتیم که نزاع خانواده گی را دلیل بیاوریم که او از خانه فرار کرده است، اما دیگران می فهمیدند و حرکات برادران ما بسیار شک برانگیز بود... بهر صورت استاد عبدالله گفت: کشمکش و بحث ها بر عملیات مسلحانه، باعث جدایی ما و استاد ربانی شد و استاد سوگند یاد می کرد که هرگاه مانند حضرت عثمان رضی الله عنه، خون من بر زمین نریزد، من از رهبری جمعیت تنازل نمی کنم! این است صراحت و قاطعیت رهبر شهید که در آن شرایط دشوار و آن عده قلیل که در کنار او بودند و همه توجه و کمک حکومت پاکستان نیز با دیگران بود، با چنین صراحت و قاطعیت از مشروعیت رهبری خویش دفاع کردند.

۲- ریاست جمهوری رهبر شهید که در اجتماع شورای حل و عقد تثبیت گردیده بود، یکی دیگر از مواضع صراحت و قاطعیت اوست... بارها و توسط افرادی به رهبر شهید پیشنهاد شد که از ریاست جمهوری و قدرت بگذرد و راه را برای صلح و قطع جنگ آماده نماید.

اما جواب رهبر شهید ما چنین بود:

کدام ریاست جمهوری و کدام قدرت؟ در این کوه ها و دره ها و در این فضای جنگ و در بدری ما به دنبال چوکی و قدرت افتاده ایم؟ اما تحمل این همه شرایط سخت و دشوار به خاطر بیعت شما و هزاران افغان مسلمان و آزادیخواه است... در حالی که با اندوه و زحمت زیاد مواجه هستیم... کجاست راه حل منطقی و درست؟ و کجاست اجماع مسلمانان و خیر خواهان تا من قدرت و این امتیاز ریاست جمهوری و رسمیت آن را در مجامع بین المللی به آن واگذار نمایم؟ و ...

هرگاه رهبر شهید، در آن شرایط ناگوار، از قدرت دست می کشید، به تعبیر محترم استاد سیاف، همه همراهان و پیروان او با نمی بودند و مشروعیت شرعی و قانونی را خود شان از دست داده بودند... رهبر شهید به خاطر بیعت و مشروعیت نظام، تا زمان فیصلهٔ بُن و برگزاری یک اجتماع که از اکثر قشرهای جامعه نماینده گی می کرد، قدرت را حفظ کرد و از مشروعیت یک نظام اسلامی و مردمی با انبوه توطئه ها و مداخلات خارجی، دفاع کرد. این است صراحت و قاطعیت این مرد بزرگ که به صلح و انعطاف پذیری شهرت داشت... انعطاف پذیری و قاطعیت از صفات برجستهٔ مردان بزرگ تاریخ است.

غصب زمین های دولتی و شخصی از سوی زورمندان



تکساری

هشت ماه قبل از امروز مجلس نماینده گان تصمیم گرفت تا برای بررسی چگونگی غصب زمین های دولتی و شخصی، کمسیون ویژه یی را توظیف نمود. در فرجام این کمسیون موفق به تهیه یک لست طویل از غاصبان زمین گردید؛ اما روی معاذیری که در کشور وجود دارد، این نام ها با وجود انتظارات مردم انتشار نیافت و از انذار مردم پنهان نگهداشته شد و غاصبان زمین از سوی این کمسیون برملا نگردید و این کار واکنش های را در داخل و خارج مجلس نماینده گان به وجود آورد. گفته می شود در این لست نام های اشخاص بلند پایه دولتی، قوماندانان جهادی، مافیای زمین و اعضای مجلس نماینده گان وجود داشته، که مانع افشای آن گردیده است؛ طوریکه برخی ها این لست را سیاسی و مغرضانه خواندند و گفتند، تا هنوز زمین های دولتی که به وسیله زورمندان تصرف شده است، شناسایی نه گردیده و این لست ناقص و غیر عادلانه می باشد. برخی از رسانه ها گفته اند که در میان این لست نام های عبدالرشید دوستم و منصور نادری به چشم می خورد؛ در حالیکه طرفداران این دو چهره، موجودیت نام های ایشان را در این لست یک نوع توطئه علیه خود دانسته اند. در این لستی که از سوی این کمسیون ویژه تهیه گردیده است، نام تعداد زیادی از غاصبان زمین وجود دارد؛ از جمله، نزده تن از غاصبان بزرگ زمین های دولتی و زراعتی ثبت گردیده که شامل دو فرمانده جهادی، یک نامزد ریاست جمهوری و شانزده متنفذ محلی می باشد. این افراد متهم اند که هر یک از ده تا نود پنج هزار جریب زمین را غصب نموده اند. به گزارش روزنامه ماندگار: سید اسحاق گیلانی عضو مجلس پیشین نماینده گان به غصب ۱۵ هزار جریب زمین در ولایت ننگرهار، سید منصور نادری عضو دیگر مجلس نماینده گان به غصب پنج هزار جریب زمین، محبوب حیات خان یکتن متنفذ محلی به غصب ۹۵ هزار جریب زمین در ولایت هلمند و حاجی جانان به غصب ۴۷ هزار زمین در ولایت نمیروز متهم اند. گزارش های این کمسیون می رساند که در حدود یک میلیون و پنجصد هزار جریب زمین در سراسر کشور از سوی زورمندان غصب شده که حدود ۱۵ هزار تن در این قضیه متهم اند. یک مشکل بسیار اساسی و مهم در افغانستان حتا قبل از جهاد و مقاومت مشکل ارضی در افغانستان می باشد. در حکومت های شاه امان الله، نادر شاه قبل و بعد از آن به وسیله فرامین مختلف زمین های حاصلخیز شمال افغانستان، تحت نام علفچر برای کوچی ها و سایر اقوام جنوب هزار ها جریب زمین و مراتع در اختیار آنها قرار گرفته و به بهانه شورش حبیب الله کلکانی این پروسه شدت بیشتر یافت و زمین های اقوام بومی در اختیار سایر اقوام کشور قرار گرفت، که از جمله می توان مناطقی را در بدخشان، کندز، میدان وردگ و سایر مناطق نام گرفت، که همه ساله ما شاهد درگیری های خونین از جمله در میدان وردگ می باشیم که میان اقوام کوچی و مردم بومی رخ می دهد. این تصرفات غیر قانونی بر ممتلکات دولتی و شخصی از سوی زورمندان، بدون شک جنگ بزرگی را در آینده در آستین خواهد داشت و برای حکومت های که از مجاری قانونی به قدرت می رسند، درد سر های بزرگی را به وجود خواهد آورد. در افغانستان سالانه چندین تن بر سر دعوا و ماجرای زمین به قتل می رسند. هر قدر نا امنی، بی قانونی و بی تفاوتی در برابر سرمایه های ملی ادامه پیدا نماید، به همان تناسب سرمایه های ملی از جمله زمین از سوی افرادی که در کمین نشسته اند غصب خواهد شد. هر چند طی روز های آخیر قانون زمینداری و سرنوشت زمین های که از سوی زورمندان غصب شده است، از سوی پارلمان به تصویب رسیده است و در مبنای آن زمین های غصب شده دولتی و غیر دولتی باید برای صاحبان اصلی اش بر گردانده شود، یک حرکت سودمند در حفظ و هراست زمین های دولتی، شخصی و زراعتی میباشد، در صورتیکه یک حکومت پاسخگو در آینده ایجاد گردد، می تواند جلو یک سلسله حرکت های خود سر را که منجر به غصب زمین های دولتی و شخصی گردیده است بگیرد و زمین های که زورمندان غصب نموده اند، دوباره به صاحبانش بر گردانده شود. امروز مافیای زمین در افغانستان آنقدر پر قدرت اند که حتا برای برخی زمین های غصب شده، وثیقه و سند شرعی تهیه نموده اند و چهره های مرکزی این مافیای زمین از چهره های کلیدی حکومت و بلند پایه گانی حکومت اند و یا از چنان نفوذ و قدرت در محلات برخورد دار اند که مبارزه با آن در شرایط موجود غیر محتمل به نظر می رسد. برخی ار سران مافیای زمین با مقام های دولتی رابطه نزدیک دارند. روز نامه هشت ثور در بهارامسال گزارش مفصل در مورد غصب زمین منتشر کرد که اسناد آن در کمسیون های پارلمان نیز وجود دارد. آنچه در شهر های بزرگ به ویژه شهر کابل وجود دارد، مشکل زمین برای ساخت و ساز های رهایشی و پروژه های دولتی میباشد و مشکل بی سرپناهی از دغدغه های مهم این شهر است. امروز در هر پروژه دولتی نقش زورمندان و صاحبان قدرت و سرمایه برجسته است. این زورمندان می توانند چندین خانه در این پروژه ها به دست آرند. امروز یک نفر از زورمندان نه تنها در شهرک شیرپور دارای خانه مجلل است؛ بلکه در ساحات سبز وزیر اکبر خان، تهیه مسکن و سایر مناطق کابل دارای منازل مجلل اند. اما کسانیکه سال ها در ادارات دولتی به کار و فعالیت مشغول اند، نمی توانند از این خان یغما لقمه یی به دست آرند، چنان دیده می شود که دیگر عاطفه و جوانمردی، در این کشور به زنجیر کشیده شده است. در هر پروژه و هر شهرک سهم زورمندان وارباباں قدرت مشخص می باشد. امروز برای کسانیکه با مراکز قدرت، دستگاه ریاست جمهوری و معاونان آن در ارتباط نیستند، مجالی برای زنده گی کردن آبرومند وجود ندارد. امروز برای معلمان، کارمندان دولت، افسران پایان رتبه، مجاهدان بی پناه، سربازان جبهات عزت و ناموس افغانستان، سهم و حصه یی از این خدمات اجتماعی دولتی وجود ندارد. به امید روزی که این اقشار محروم و مظلوم بتوانند در سایه یک حاکمیت مسوول و پاسخگو به چنین حقوق مدنی خویش دست یازند.

د ملگرو ملتونو...

کارولی او ددغه سازمان د قاطع اکثریت پورې ملندې یې وهلي دي. د مثال په توگه د نورو مسايلو په لړ کې یوه مهم د فلسطین د مسلمان ولس پر خلاف د اسرائیلو د غاصبانه کړنو او تصرفاتو څو ځلي د نړۍ د هیوادونو لخوا تقبیح کول، په آغاز کې د انگلستان او بیا وروسته د امریکا لخوا تر دا مهاله د تړدې پنځلس ځلو په شاوخوا کې ویټو کړاې شوی دی، همدارنگه د پخواني شوروي اتحاد لخوا په افغانستان باندې د یرغل په کلونو (اتیایمې لسیزې کې) څو ځلې د شوروي لخوا د ویټو په کارولو سره د پخواني شوروي ظالمانه یرغل او په افغان ولس ظلمونه د نړیوالو لخوا د څواب ورکولو څخه پرته پاتې شوي او داسې نورې تاریخي ستونزې، چې هر ځل یکې د ویټو کارولو د مظلوم آواز په ستوني کې چپ کړی دی؛ لکه چې په دې وروستیو کې د حافظ الاسد او اوس یې د څوې ((بشار الاسد)) د مستبد رژیم لخوا په خپل ولس باندې د کلونو ظلمونو په نتیجه کې چې د عربي پسرلي څخه په الهام اخستنه نور د سوریې ولس د ملي پاڅون لیار غوره کړه، نو د نړیوالو یوازې په خوله د هغوی ملاتړ هغوې خپل دغه حق ملي پاڅون کې نور هم زړه ور کړل او په نتیجه کې یې د مستبد رژیم څخه د خلاصون لپاره مبارزه کې یو سلو او پنځه زرو په شاوخوا کې شهیدان ورکړل خو د امنیت شورا د سوریې د ولس دغه ټولې قربانۍ یوازې پدې جبران کړې چې د سوریې کیمیایې او شیمایې وسلې تباه شي، پداسې حال کې چې د واکمن مستبد رژیم پر خلاف د ترسره شوي ولسي حق پاڅون خواب دا وو چې پر خلاف یې د امنیت شورا له خوا له زور څخه کار اخستل شوی وای . او دې ته ورته د ملگرو ملتونو د سازمان په تاریخ کې په مجموعي توگه لـه دوه سوه وو څخه زیات ځلي د بېلا بېلو هیوادونو ویټو کولو کې نړدې هر ځلي په ناحقه ویټو کارول شوی چې لامله یې نن امریکا ته په هره توگه د بشري حقونو د پایمالولو جرأت ورکړی؛ چې کله د ډراوون(بې پیلوټه الوتکو) په ذریعه عام ولسونه بمباروي لکه چې په همدې حقیقت اوس په روانه اونۍ کې (د عفوې نړیوال سازمان) او (د بشري حقوقو د څار سازمان) لخوا په گوته شو او کله د خلکو شخصي مکالمې او اړیکې په پټه څاري لکه چې ((سنودن)) لـه دې حقیقت څخه پرده پورته کړه او د فرانسې او امریکا په اړیکو یې اثر هم وکړ او پاتې ټولې نړۍ ته هم ښایې چې د امریکا حقیقي څېره نوره وپیژني .

او کله د ولسواکۍ پر خلاف د ولسونو واکمن نظامونه غلا کوي او د غلا له لیارې راغلو کودتایې نظامونو باندې سترگې پټوي ؛ لکه چې په مصر ، تونس او الجزایر کې یې کړیدي .چې ددې استبدادي رویې یو لامل هم، د ویټو د امتیازي حق کارول دي چې شوروي او امریکا په ٦٨ کلونو کې کارولی دی. نو نړۍ ته پکار دي چې د ملگرو ملتونو سازمان په حیثیت او افادیت نور غور وکړي او لکه چې د سعودي عربستان د واکمن عقل سرته راغی چې د امنیت شورا د غیر دایمی څوکۍ له منلو څخه یې انکار وکړ، باید پاتې نړۍ هم د ملگرو ملتونو د سازمان په حقوقي جوړښت او امتیازي حقونو او یو بام او دوه هوا سیاستونو فکر وکړي، ورنه نړۍ به ډیر ژر د دریمې نړیوالې جگړې گرم ډگر ته داخله شي.

نوازشریف و گزینهء دشوار ...

قبال مخالفین حکومت در پاکستان از جانب قصر سفید، نشان از نارضایتی امریکا از سپردن بندر گوادر از جانب پاکستان به چین دارد.

در مذاکرات میان نوازشریف و مقامات امریکائی موضوع افغانستان هم مطرح بحث قرار گرفت. نقش پاکستان بعنوان کشوری که نزدیک ترین و ارزان ترین راه خروج از افغانستان را به امریکا مهیا می سازد، برای امریکا مهم است. امریکا می خواهد تا پایان سال ۲۰۱۴ تقریبا تمام نیروهایش را از افغانستان خارج سازد و این خروج بدون کمک پاکستان برای امریکا دشوار و از طریق کشورهای دیگر پرهزینه خواهد بود.

در شرایطی که امریکا برای خروج از افغانستان نیازمند پاکستان است، نمی توان انتظار داشت تا امریکا پاکستان را در جهت به میان آوردن صلح در افغانستان تحت فشار بگذارد، برعکس دادن کمک مالی به پاکستان را می توان دادن امتیاز به پاکستان تلقی کرد که این کشور بخاطر موقعیت استراتژیک خود و نیاز امریکا به این موقعیت دریافت می نماید.

در پایان سفر نوازشریف از امریکا، هردو کشور بر مبارزهء مشترک با تروریسم تاکید کردند اما در شرایطی که پاکستان خود درگیر جنگ با طالبان این کشور است، احتمال اینکه صدراعظم پاکستان وعدهء محکمی برای کمک به پروسهء صلح در افغانستان به جانب امریکا بدهد، بدور از احتمال به نظر می رسد. از جانب دیگر این مسئله هم مشخص نیست که آیا امریکا خواست پاکستان مبنی بر توقف حملات طیارات بی سرنشین به مناطق قبایلی را پذیرفته است یا نه؟ اگر این حملات ادامه یابد، در این رابطه عکس العمل پاکستان چه خواهد بود؟ یک گزینه در این رابطه بستن راه نیروهای خارجی در افغانستان از طریق خاک این کشور خواهد بود تا طالبان را به مذاکره راضی سازد. اما آیا حکومت نواز شریف به قیمت خرابی روابط با امریکا دست به این کار خواهد زد؟ اگر حملات طیارات بی سرنشین ادامه یابد و حکومت پاکستان نیز دست به کاری نزند، مشکل طالبان چگونه حل خواهد شد؟

دولت افغانستان نمی تواند از مسؤولیت اشتباهات خویش شانه خالی کند

مهدی یفتلی

حامد کرزی در مصاحبه با بی بی سی که به تاریخ ۱۶ میزان به نشر رسید، ناتو و نیروهای خارجی را عامل اصلی بی ثباتی و ناکامی در افغانستان خواند و گفت که ناتو در عرصهٔ امنیت باعث رنج بسیار برای مردم افغانستان شده و هیچ پیشرفتی به دست نیامده است، رئیس جمهوری افغانستان در این مصاحبه اذعان نمود که با جورش بوش رئیس جمهوری پیشین امریکا روابط دوستانه داشته، اما بعداً این روابط رو به تیرگی نهاده است. وی دلیل تیرگی روابطش را با امریکاییان، تلفات غیرنظامیان وانمود کرد.

این اظهارات رئیس جمهوری افغانستان که در ماه های اخیر حکمروایی دوازده سالهٔ وی عنوان می شود از اهمیت خاصی برخوردار بوده و بازتاب گستردهٔ در رسانه های جهانی داشت.

آن طوری که رئیس جمهوری افغانستان اشاره نمود، واقعیت این است که هنوز هم در کشور ما جنگ وجود دارد و ما با ثبات و پیشرفت اقتصادی فاصلهٔ زیاد داریم، هنوز بی امنیتی، بی کاری، نبود زیرساخت ها و در آمد اندک دامن گیر مردم افغانستان می‌باشد، در عرصهٔ سیاسی و حکومت داری نیز مشکلات فراوانی وجود دارد و حکومت افغانستان در این زمینه بدترین کارنامه را در جهان به ثبت رسانده است. در این شکی نیست که نیروهای ناتو به رهبری امریکا که در دوازده سال گذشته در کشور ما حضور دارند و درگیر جنگ با تروریزم می‌باشند، نمی‌توانند ادعا کنند که به اهداف اعلان شدهٔ خویش دست یافته اند و یا انتظاراتی که مردم افغانستان از آن ها داشتند، برآورده شده است.

رئیس جمهوری افغانستان در این مصاحبه بخش مهمی از واقعیت ها و مشکلات کشور را به صورت مجمل مورد اشاره قرار داده است با آن که اعتراف به ناکامی و درد و رنج مردم اقدام سازنده و مسؤولیت پذیرانه است، اما آقای کرزی از یک سو، در توضیحی این مشکلات و رنج ها مطالب زیادی بیان نکرد، و از سوی دیگر از اشتباهات و سهم خارجیان سخن گفت اما به نقش تعیین کنندهٔ حکومت و مقامات دولت افغانستان در ایجاد مشکلات و بحران کشور هیچ اشارهٔ نکرد.

بر هیچ کس پوشیده نیست که اگر بخواهیم عوامل ادامهٔ بحران و علل ناکامی ها در افغانستان را ارزیابی نماییم و از تجربهٔ دوازده سالهٔ حکومت افغانستان برای ساختن یک ادارهٔ سالم در آینده استفاده شود، لازم است تحلیل واقع بینانه و همهٔ جانبهٔ از این دوران داشته باشیم و مشکلات و بحران و عوامل موثر آن را مورد مطالعه قرار دهیم. در این زمینه باید در پهلوی اشتباهات خارجیان، عوامل موثر دیگری را در نظر بگیریم. این عوامل موارد متعددی را شامل می‌شوند؛ فساد فراگیر در دولت افغانستان از عوامل عمدهٔ بحران و ناکامی می‌باشد، این موضوع در گزارش های منابع معتبر بین‌المللی ذکر گردیده و مقامات دولت افغانستان از جمله رئیس جمهور نیز نمی‌توانند آن را انکار کنند. رشوه ستانی، خویش خوری و واسطه گری، از پدیده های عمدهٔ فساد دولت افغانستان است؛ طبق گزارش سال ۲۰۱۲ ادارهٔ مبارزه با جنایات و مواد مخدر سازمان ملل که با همکاری حکومت افغانستان تهیه گردیده است، در این سال، رشوه در افغانستان چهل درصد نسبت به سال ۲۰۰۹ افزایش داشته است، طبق این گزارش، مردم افغانستان در سال ۲۰۱۲ حدود چهار میلیارد دالر به مقامات و ادارات دولت رشوه پرداخته اند، این مبلغ دو چند درآمد داخلی افغانستان و یک چهارم کمک های تعهد شدهٔ جهانی برای افغانستان در کنفرانس توکیو بوده است، در این گزارش گفته شده است که در سال ۲۰۱۲ نیمی از مردم افغانستان مجبور شدند رشوه بپردازند. حتی عرصهٔ معارف که باید جای تربیت و آموزش سالم نسل‌های آینده باشد، در پهلوی برخی دیگر از نهادهای فاسد دولتی، غرق فساد و رشوه گردیده است، طبق یافته های گزارش فوق، رشوه ستانی در وزارت معارف در سال ۲۰۱۲ نسبت به سال ۲۰۰۹، ۵۱ درصد، بیشتر از دیگر بخش‌های دولت، رشد نموده و در جملهٔ فاسدترین ادارات قرار گرفته است.

همچنان طبق گزارش سازمان شفافیت بین‌المللی که اخیراً به نشر رسید، نظام معارف افغانستان به یکی از شش فاسدترین نظام های معارف جهان تبدیل گردیده است، طبق این گزارش، در سال گذشته بیست درصد از مردم افغانستان به مسؤولین وزارت معارف رشوه پرداخته اند. رشوه باعث شده است که مردم اعتماد خویش را نسبت به ادارات و مسؤولین دولتی از دست بدهند، در برخی مناطق که گروه های شورشی فعالیت دارند، مردم جهت حل منازعات حقوقی خویش به جای محاکم دولتی به محاکم صحرایی طالبان و یا شوراهای مردمی مراجعه می‌کنند. فساد و رشوه چهرهٔ کریه و نامطلوبی از مقامات و مأموران دولتی در میان مردم ترسیم نموده است، به طوری که در برخی مناطق مردم خواهان نابودی ادارات فاسد بوده و از مخالفان مسلح حمایت می‌کنند.

این ادعای آقای کرزی که خارجیان در فساد و موجودیت رشوه و اختلاس آلوده اند، دور از حقیقت نیست، اما فساد و رشوتی که برای مردم افغانستان کمرشکن است، رشوه و اختلاسی است که از جیب آن ها گرفته می‌شود، کاری که مأمورین داخلی و مقامات دولت افغانستان می‌کنند، اما خارجیان از پول های حکومت ها و مردم خودشان اختلاس می‌کنند و به صورت مستقیم از جیب مردم افغانستان بر نمی‌دارند؛ آن چه که بیشتر برای مردم افغانستان رنج آور است، چهار میلیارد دالری است که مقامات و ادارات دولت افغانستان در سال ۲۰۱۲ از جیب ۵۰ درصد شهروندان افغانستان گرفته اند، یا تاراج گران کابل بانک که ۲۳ درصد دارایی مردم افغانستان را با دام کابل بانک دزدیدند.

واسطه گری و خویش خوری پدیده های دیگر فساد در دولت افغانستان است، این پدیده چنان گسترده شده است که اهلیت و شایستگی مفهوم خویش را باخته است، هیچ کس نمی‌تواند صرفاً توسط مدرک و تجربه و بدون داشتن رابطه و یا رشوه در مقامات و پست های دولت تعیین گردد، افراد تحصیل کردهٔ که واسطه نداشته باشند و یا نتوانند رشوه بپردازند بیکار می مانند. این پدیده روحیهٔ ابتکار، کار و تلاش را از میان برده و ادارات حکومت افغانستان را به ارگان های مافیایی تبدیل کرده است. اختلاس و تاراج دارای های عامه پهلوی اساسی دیگر فساد در افغانستان است، نمونهٔ بارز این مورد، تاراج کابل بانک می باشد، این تاراج بی تردید بزرگ ترین چپاول در تاریخ افغانستان است، همهٔ اختلاس های تاریخ افغانستان شاید از نگاه ارزش تاراج شده، به اندازهٔ اختلاس در کابل بانک نرسد. چپاولگران که در میان آن‌ها بستگان مقامات درجه یک کشور وجود دارند، حدود هزار میلیون دالر دارایی‌های این بانک را که تقریباً ۲۳ درصد درامد ملی افغانستان بود، تاراج کردند، عاملان این تاراج یا کاملاً از دسترس تعقیب قضایی به دوراند و یا با محکومیت های رمزی و ناچیز مجازات شدند، طبق گزارش یک منبع معتبر بین‌المللی، این بانک اساساً دامی بوده است که توسط برخی مقامات برای تاراج پول‌های مردم ایجاد شده بوده است. موارد اختلاس و چپاول دارایی های عامه در طول دوازده سال گذشته چنان زیاد است که نمی‌توان تمام مثال های آن را در این نوشته ذکر کرد. اگر آقای کرزی ادعا کند که نمی‌تواند جلو فساد در ارگان های خارجی را بگیرد، به هیچ صورت نمی‌تواند ادعا کند که قادر نیست جلو فساد دولت و مأموران حکومت خودش را بگیرد. اگر آقای کرزی ادارهٔ خودش را از فساد پاک می‌کرد، مردم از کوتاهی وی در جلو گیری از فساد خارجیان در می‌گذشتند.

کار کرد ضعیف اقتصادی دولت آقای کرزی را می‌توان عامل دیگر بحران و بی ثباتی در کشور خواند، این دولت تا کنون برنامهٔ درخور توجه برای توسعه و پیشرفت اقتصادی مطرح نکرده و هیچ نشانه‌ی از این که توسعه اقتصادی و بهبودی وضعیت زندگی و معیشتی مردم، به عنوان اولویت عمده برای دولت آقای کرزی باشد دیده نشده و این موضوعات سهم اندکی در سخنان و اظهارات آقای کرزی در طول دوازده سال گذشته داشته است. توجهٔ اساسی آقای کرزی همیشه بالای سیاست است؛ بیش از نود درصد سخنرانی ها و گفتگوهای وی پیرامون مسایل سیاسی بوده است؛ چانه زنی‌های سیاسی، انتقادها، اتهامات و ادعاهای سیاسی در برابر گروه های رقیب شامل نظام و حامیان خارجی حکومت، ادامهٔ فرمان روایی و تضعیف اپوزیسیون و جریان‌های سیاسی، بخش عمدهٔ سخنان وی را تشکیل می‌دهد که به صورت تکراری و کسل کننده در طول ۱۲ سال گذشته شنیده شده است. اکثریت مردم گمان می‌کنند، آقای کرزی در زمینه های اقتصادی هیچ طرحی ندارد و اگر چنین طرحی هم داشته باشد برایش اهمیتی قائل نیست، چون هیچ گاه از چنین مسایل یاد آوری نکرده است

لازم بود با استفاده از فرصت های که در دوازده سال گذشته در اختیار دولت آقای کرزی قرار داشت، چند طرح کلان ملی را مطرح می‌کرد و همه امکانات داخلی و خارجی را برای تحقق آن بسیج می‌نمود، مانند توسعهٔ زراعت، تولید انرژی از منابع آبی و رساندن آب آشامیدنی به شهرهای بزرگ مخصوصاً پایتخت که مواد و امکانات اولیه آن مانند آب و خاک در داخل کشور به قدر کافی وجود دارد و استخراج معادن که افغانستان دارای ذخایر و داشته های قابل توجه زیر زمینی می باشد.

در این مصاحبه، آقای کرزی بحران پیچیدهٔ کشور را بسیار ساده ساخته و یگانه علت ناکامی را که ذکر نموده است اشتباهات جنگی خارجیان می باشد، وی از عوامل موثر دیگر مشکلات چشم پوشی نموده و دامنش را از گرد آلوده شدن به ناکامی‌های دوران زمامداری اش کاملاً تکانده است. چنین رویکردی در ریشه یابی مشکلات کشور گمراه کننده می باشد و هیچ کمک برای اصلاح اشتباهات نمی‌کند؛ رئیس جمهور افغانستان باید توضیح می‌داد که این بحران عوامل متعدد و مختلفی دارد؛ مانند عوامل سیاسی، نظامی، اقتصادی، تاریخی و جغرافیایی و با مسؤولیت پذیری به نقش حکومتش نیز در بحران کنونی و به گفته خودش رنج و درد مردم اشاره می‌کرد.

چشم پوشی از عوامل موثر داخلی بحران کشور و خلاصه کردن این عوامل در اشتباهات نظامی خارجیان که در مصاحبهٔ آقای کرزی با بی بی سی عنوان گردید، این گمانه زنی را در میان مردم تقویت کرده است که آقای کرزی قصد دارد از تقبل هر نوع مسؤولیت شانه خالی کند و کلیه پی آمد های منفی دوران زمامداری اش را به دوش متحدان خارجی اش بیندازد، از همین اکنون آن ها را آماج انتقاد و ملامت قرار داده است که به نصایح وی گوش فرا ندادند و خودسرانه کار کردند. اما قانع ساختن مردم به چنین تحلیلی کار سختی است، هیچ کس نیست که نداند آقای کرزی ۱۲ سال بر افغانستان حکمرانی کرد و در این مدت، فرصت‌ها و امکانات زیاد و تکرار نشدنی برای ساختن یک حکومت نیرومند ملی و باثبات و ایجاد پیشرفت و توسعه‌ی اقتصادی در اختیار افغانستان قرار گرفت، اما این فرصت ها و امکانات استفاده شایسته نشد.

در صورتی که رئیس جمهور افغانستان در رابطه با امضای پیمان استراتژیک با امریکا به دنبال منافع کشور باشد، لازم است از موضع رئیس جمهور در زمینه حمایت کرد و این سیاست وی را ستود. مطرح کردن چنین اظهارات و چشم پوشی از ضعف‌ها و مسؤولیت حکومت، در زمانی که ما در آستانهٔ انتخابات ریاست جمهوری و امضای پیمان امنیتی با آمریکا قرار داریم برخی را متقاعد نموده است که ادعا کنند هدف آقای کرزی از مطرح نمودن این سخنان باج گیری از آمریکا است، آن ها مدعی‌اند که آقای کرزی می‌خواهد امریکا حق انتخاب رئیس جمهور آینده را به وی واگذار نماید و حاصل یک انتخابات مهندسی شده و دست کاری شده را بپذیرد، در این صورت است که این پیمان را امضا می‌کند اما در صورتی که امریکا از برنامهٔ آقای کرزی برای آیندهٔ زعامت در افغانستان حمایت نکند، با فرا خواندن لویه جرگه امضای چنین پیمانی را ممکن است رد کند و یا شرط های تعجیزی مطرح کند. با چنین اقدامی هم می‌تواند برای خارجیان مشکل جدی قانونی و سیاسی ایجاد کند و هم جانشینش را با مشکلات ۱۲ سال پیش روبرو سازد، ناکامی های بیشتر حکومت آینده افغانستان این نتیجه را در پی خواهد داشت که مردم رنج های را که به قول آقای کرزی در این ۱۲ سال کشیدند به زودی فراموش کنند و حسرت زمامداری وی را برای همیشه در دل نگه دارند.

دو پیروزی بزرگ

همنوا

پیش از عید، پیروزی های زیادی نصیب مردم مـا شـد: برتری تیم فوتبال جمهوری اسلامی افغانستان و صعود آن در سطح جنوب شرق آسیا از یکسو و موفقیت تیـم کـرکـت در مقابله با کینیا و صعود این تیم در این مرحلـه، دو پـیـروزی بزرگ افغانها در سطح آسیا و دنیا است...

دو پیروزی بزرگ سیاسی نیز نصیب مردم مسـلـمـان و مجاهد افغانستان شد:

اتحاد انتخاباتی جمعـیـت اسـلامـی و حـزب اسـلامـی افغانستان که عصر روز دوشنبه در منزل صلاح الدین ربـانـی رئیس جمعیت اسلامی و با امضای او و محترم عـبـدالـهـادی ارغندیوال رئیس حزب اسلامی، صورت پذیرفت و در رسـانـه ها بازتاب گسترده داشت...

همچنین طبق این اتحاد و بحث و مذاکرۀ چند هفته ای هیئت های هر دو حزب، کاندیدای جمعیت اسلامی به حـیـث نامزد ریاست جمهوری و معاون او از سـوی حـزب اسـلامـی معرفی شد پس: محترم دکتور عبـدالله عـبـدالله کـانـدیـدای جمعیت اسلامی به حیث نامزد ریاست جـمـهـوری از سـوی جمعیت اسلامی معرفی و محترم انجنیر محمد خان از سـوی محترم ارغندیوال و شورای اجرائیه حزب اسلامی بـه حـیـث نامزد معاون اول و محترم استاد محمد محقق از حزب وحدت اسلامی مردم افغانستان به حیث نامزد معاونیت دوم، معـرفـی گردیدند. فردای آن یعنی به روز سه شـنـبـه ۹ مـیـزان، ایـن شخصیت ها به حضور رؤسای هر دو حزب (جمعیت و حـزب) و شورای رهبری جمعیت اسلامی و شورای اجـرائـیـۀ حـزب اسلامی به کمیسیون انتخابات رفتند و به حیث دومین ثـبـت نام کننده برای ریاست جمهوری آینده ثبت نام کردند:

شاید بعضی ها فکر کنند که پیروزی هـای فـوتـبـال و کرکت، شاید به بعضی از مردم ما مهم نباشـد و شـایـد هـم پیروزی بزرگ سیاسی دو حزب عمده و مهم در تاریخ معاصـر افغانستان، برای همه مهم نخواهد بود، اما:

این پیروزی های بزرگ مردم ماست و نام افغانستـان در سطح دنیا روشن و با اهمیت می گردد. مردم دنیا می دانند که افغان های سر بلند و با افتخار ما تنها در معرکه های خونیـن و در دفاع از عقیده و ایمان، آزادی و استقلال کشور خـویـش جان داده و شکست ابر قدرت ها را به جهانـیـان، نشـان داده اند، همچنین در میدان رقابت های ورزشی نـیـز، روز بـه روز موفقیت افغان ها بیشتر می شود و نام افغان و افغانسـتـان در سیاست و ورزش از بلند آوازه ترین نام های می گردد...

طوری که بار ها گفته ایم، افتخارات ملت ها، وحـدت و یکپارچگی آنها، فقط در تاریخ معاصر ما اتفاق نیفتاده بلکه، در طول تاریخ بشریت، افراد و بدخواهانی داشته و از آن رنج برده اند! پیامبران بزرگ خدا در جوامع انسـانـی، طـرفـداران و بـد خواهانی داشته اند و در مسیر مبارزات حق طلبانه با چلنج هـا و مخالفان نیز روبرو بوده اند... اما وحدت مرحله ای دو حـزب سیاسی عمدۀ کشور و بخصوص در انتخابات، از چنـد جـهـت درخور اهمیت و ارزش است:

۱- همه می دانند که جمعیت اسلامی افغانستان از آغـاز تا امروز فقط یک جمعیت است و گاهی افراد در اینجا و آنجـا حرف های خلاف وحدت و همبستگی جمعیت زده انـد و بـه هیچ صورتی، جمعیت را دو پارچه نتواسته اند و إن شاءالله کـه هرگز به آن موفق نخواهند شد ..

اما برخی از مردم می پرسند که اتحاد انتخاباتی جمعیـت با کدام حزب؟ زیرا افرادی خود را متعلق به آقای حکمتیار می دانند، تعدادی به سیاوون اند و اینک قطب الدین هـلال بـه حیث کاندیدای مستقل که خود را از پیروان آقای حکمتیار می داند، نیز وارد صحنه شده است...

جواب واضح این سوال ها و اگر ها را می تـوان در ایـن جملات خلاصه کرد:

حزب اسلامی افغانستان فقط یک حزب است که قانـون اساسی را پذیرفته، در دولت شرکت دارد و به همـیـن نـام در وزارت عدلیه ثبت شده و تمام شرایط قانونی را تکمیـل کـرده است.

اکثر بزرگان و سابقه داران حزب اسلامی، فقـط بـا ایـن حزب اند، مانند آقای عبدالقدیر کریاب، داکتر مـحـمـد انـور، الحاج جانباز سرفراز، آقای درانی و گلزی و... فـقـط هـمـیـن حزب است که در ولایات افغانستان دفاتر نمایـنـدگـی دارد و همه حزبی ها را به همین نام و عـنـوان بـه رسـمـیـت مـی شناسند...

آقای سیاوون تحت نام حزب اسلامی متحد افغانسـتـان، گروهی را تشکیل داده و هنوز معلوم نیست که چه کسانـی از حزب اسلامی سابق با ایشان همراه اند؟

آقای هلال که به تازگی وارد میدان شـده، حـرف هـای متضاد او از نشریه ها و رسانه ها نقل شده:

او خود را پیرو حکمتیار می داند اما طرفدار صلح و آشتی است! حکمتیار جنگ را مانند نماز و روزه عبادت مـی دانـد و آقای هلال خواهان برادری است!! حکمتیار انتخابات را دستور امریکایی ها می داند رئیس جمهور را به تصور او از سـفـارت امریکا در کابل منصوب شده فکر می کـنـد و امـا هـلال در انتخابات آزاد شرکت میکند و باز هم پیرو حکمتیار است؟!

حکمتیار، در مورد انتحار سکوت می کند و جواب نـمـی دهد اما هلال در محیط افغانستان و تحت قانون افغـانسـتـان که انتحار و انفجار را جرم می داند، به مبارزات انتخاباتی اقدام می کند!! و...

پس در واقع، حزب اسلامی افغانستان، یک حزب است و چهره های آنان از سی و چهل سال قبل شناخته شده انـد، در وزارت عدلیه ثبت شده و تمام شرایط قانونی را تکمیل کرده و فقط یک حزب است.

۲- همه مردم ما و همه مسلمانان و آزادیخواهان جهان، از بابت اختلاف جمعیت و حزب، به ویژه در سالهای جهاد، در رنج بودند که چرا دو حزب سیاسی و نظامی که دارای اهـداف و آرمان کاملاًمشترک هستند و حتی در میان تـنـظـیـم هـای جهادی، دو تنظیم کلاملاً مساوی و برابر در فکر، عـقـیـده و سیاست های داخلی و خارجی اند، چرا از هم دور انـد و چـرا نزدیک نمی شوند؟

این اتحاد انتخاباتی، در واقع پاسخ مثبتی است که بـرای هموطنان درد دیدۀ ما و همه مسلمانان با احساس دنـیـا داده می شود و باعث آرامش دلهای آنان می گردد.

درست است که جمعیت اسلامی و حزب اسلامـی طـی سالها مشکلات داشتند و بدبختانه در بعضی از مناطق کشـور در دوران جهاد، برخورد های خصمانه نیـز داشـتـه انـد ولـی اکنون با این اقدام نیک و در خور ستایش، خواسته اند تـا بـه همه چرا ها و ایراد ها، پاسخ مثبت و معقول بدهند و راه آیندۀ خود را در یک مسیر درست و سالم، تعیین نمایند...

من باید به همه برادران عزیز که از اختلاف رنج برده اند و همواره خواهان وحدت همه صفوف، بـخـصـوص حـزب و جمعیت بوده اند، چند نکتۀ مهم از تاریخ گذشته را یاد آور می شویم:

۱- در اوج اختلافات سلیقه ای میان دو حزب یاد شـده، آیا درپی واقعۀ انفجار در کاشانـۀ بـدر در ۱۳۵۸ مـربـوط بـه جمعیت اسلامی در پشاور، حکمتیار همراه بزرگان حـزب، بـه آرامگاه این شهیدان نیامد و به دست های خویش، شهـیـدان جمعیت را تدفین نکرد؟

۲- آیا در اجتماعات و محافل جمعیت و حزب، رهبران و اعضای هر دو حزب در محیط مهاجرت، دعوت نشـده انـد و حتی به ایراد سخن پرداخته و سیاست های یکدیگـر را نـقـد نکرده اند؟

آیا در نشریه های هر دو حزب، این سخن ها و نقد هـا، بازتاب نیافته است؟

۳-آیا در مراسم فاتحۀ شهدای جمعیت و حزب، رهبـران و اعضای هردو گروه، شرکت نکرده و با یکدیگر غمشریـکـی نداشته اند؟

۴- آیا در مراسم عروسی اعضای هر دو، ده هـا تـن از اعضای برجستۀ هر دو شـرکـت نـکـرده و در شـادی هـای یکدیگر، شریک نبوده اند؟

۵- آیا شاهد ازدواج ها میان پسران و دختـران هـر دو حزب نبوده ایم؟

۶- آیا در اکثر اتحاد ها، این دو حـزب بسـیـار بـا هـم نزدیک و با هم متفاهم نبوده اند؟

۷- آیا بارها جلسات مشترک و یا بـا مـیـانـجـی گـری دیگران، دایر نشده و سال ها بحث روی مواضع مشـتـرک و وحدت صفوف میان این دو حزب، صورت نگرفته است؟

۸- آیا موافقت نامه های میان جمعیت و حزب در پشاور و در پی سفر کوتای قهرمان ملی ما احمد شـاه مسـعـود بـه امضاء نرسید؟

پس بدا به حال دشمنان اسلام و افغانستان کـه ایـن دو حزب سیاسی در طول زمان و با وجود هـر نـوع اخـتـلاف و درگیری، با هم برادر و برابر بوده اند و خدا را شکر کـه امـروز بار دگر در یک صف و سنگر قرار گرفته اند!

اتحاد انتخاباتی و نامزدی شخصیت های برای ریـاسـت جمهور و معاونین آن، از پیروزی های بزرگ سیاسی دو حزب مقتدر افغانستان، در عصر حاضر است و لازم است تـا هـمـه افغان ها و همه کسانی که بـرای اتـحـاد و وحـدت ایـن دو بزرگترین حزب سیاسی افغانستان، آرزو می کردند و بـرای آن دعا می نمودند، از این رویداد مهم استقبال نماینـد و ایـن دو حزب سیاسی را بیشتر از پیش تشویق و تقویه نمایند، اما:

با تأسف که تعدادی از شخصیت های بزرگ که همـواره از جدایی این دو حزب، رنج و اندوه خـویـش را ظـاهـر مـی ساختند، امروز با وحدت این دو حزب، به جای ایـنـکـه ان را تشویق نمایند و انضمام حزب خود را با ان اعلام کنند، نه تنها دوری اختیار نموده بلکه، در برابر این وحدت تاریخی، خود بـه میدان رقابت آمد، و به این صورت آرای مجاهدین را در صدد تقسیم بر آمده و به اصطلاح از پشت به آن خنجر زده اند!!

این دو حزب مقتدر، بار ها با شخصیت محترم جـهـاد و مقاومت در تماس بودند و با جواب رد آن شخصیت، به اعـلام اتحاد و کاندیدا پرداختند... اما پس از اعلام اتحاد و مـعـرفـی کاندیدا و معاونین آن، دوباره این شخصیت جهاد و مقاومت از لاک خویش بیرون آمد و دعوای نامزدی ریاست جـمـهـوری کرد!!

این فرد، در چند شب قبل، در جلسـۀ شـورای رهـبـری جمعیت، در مورد اتحاد انتخاباتی با حزب و معرفـی نـامـزد و معاونین او، در جمع اعضای شورای رهبری، خود شان دسـت ها را به رسم دعا بالا کردند و به این فیصلۀ شورای رهـبـری. عدالت تایید گذاشتند!!

این بود کار ناشدنی (و حدت حزب و جمعیـت) کـه بـه فضل خداوند، ممکن و میسر شد و این بود، توقع ما و هـمـه مجاهدین، که یکی از رهبران جهاد و مقاومت، بر بزرگان مـا در اتحاد انتخاباتی و موضع گیری مشترک در انتخابات، دست رحم و عطوفت برکشد و آن را تایید و تقدیر کند و صفوف هر دو حزب را با رهنمایی مدبرانه، استحکام بخشد...

اما افسوس که چنین نشد و بالاخره کار ناشد، شدنی شد و کاری که می شد و توقع بود، با تأسف که نشد و خوب گفته اند که :... کجا ماند مسلمانی!

شهید

ژبارن: ډاکتر محمد طارق اقبال

٦ برخه

پوهېږم په نړۍ کې داسې ښوونځي ول او ښـايي اوس هم وي،چې له هستۍ سره د انسان اړیکه او په بل تعبیر له بدن سره د روح اړیکه، له زندان سره د زنداني د اړیکې په څېر او له څاه سره په څاه کې د غورځېدلي د اړیکې او له پنجرې سره د مرغۍ د اړیکې په څېر بولي. ددې ښوونځیو له نظره،مړینه خلاصېدل او ازادي ده او خان وژنه روا ده. وايي:" ماني" چې د پیغمبرۍ ادعا يـې کـړې وه، داشــان نظریــه درلــوده. ددې نظریـې لـه مخې،مړینه یو مثبت ارزښت دی،مړینه هر چا ته مطلوب چار دی،د هیچ چا مړینـه خواشـیني نـهٔ ده، لـه زندانـه ازادي او له څاه راوتل او د پنجـرې ماتېدنـه خواشـیني نهٔ؛بلکې خوشحالي ده.

بله نظریه دا ده،چې مړینه،عدم او نیستي ده، بشپړه فنا ده، نهٔ شتوالی یـا ((نـابودي)) ده. پـر عکس،چې ژوند، وجود او هستـي ده، شته والـی یـا ((بـود)) دی. څرګنده او بلکې غریزي ده،چـې هسـتي پـر نېستـۍ او شـتوالی ((بـود)) پـر نهٔ شـتوالـي ((نـابودي)) غـوره دی.ژوند، چې په هر ډول وي او هر څـه وي،تـر مړینـې غوره ده.

"مولانا" د" جالینوس"خبره را اخلي،چې ویـلي يـې و: ((زه ژوند په هر حال او هره بڼهتر مړینې غوره ګڼـم،کـه څه هم د ژوندبڼه په دې پورې ترلې وي،چې د غـاترې پـه ګېډه کې ووسم او سر مې ساه اخېـستـنې تـه د غـاترې لـه لکۍ بهر راوتلی وي.))

انچنانکه گفت جالینوس راد
از هوای این جهان و این مراد
راضیم کز من بماند نیم جان
کز درون استری بینم جهان

ددې نظریې له مخې،د مرگ ارزښت سل پـه سلو کـې منفي دی.بله نظریه دا ده،چې مړینه نیـستي او نـابودي نـهٔ ده،له یوې نړۍ بلې ته تګ دی؛خـو لـه دنیـا سره د انـسان اړیکه او له بدن سره د روح اړیکه، له زنـدان سره د زنـداني ،له څاه سره په څاه کې د غورځېـدلي او لـه پنجـرې سره د مرغۍ د اړیکې په څـېر نهٔ؛بلکـې لـه ښوونځي سره د زده کوونکي او له پټي سره د بزګر د اړیکې په څېر ده.

دا سـمه ده،چـې زده کوونکـی لـه کـوره، معاشرتـه او ملګریو او وطنه لرې تللی او د ښوونځي په چاپېریـال کـې زده کـړې کوي؛خـو پـه تولنـه کـې د نېکمـرغهٔ اوسـېداني یوازېنۍ لار، د ښوونځي له دورې بریالیراوتـل دي او دا هم سمه ده،چې بزګر خپل کور او کورنۍ ژونـد پرېـښي او په پټي کې په بزګرۍ بوخت دی؛خو په پټي کـې کـار يـې د کورنۍ کلنۍ معیشت او د ژوند لګښت برابروي.لـه اخـرت سره د دنیا او له بدن سره د روح اړیکه داشان ده.

هغه خلک،چې د نړۍ او انسان د اړیکو پـه هکلـه دا شان "نړۍ لید" ولري،که عملا يې دا توفیق نهٔ وي تر لاسـه کړی او خپل عمر په تباهۍ او د سزا وړ چارو کې تېر کړی وي؛نو څرګنده ده،چې دوی ته مړینه خوښ او مطلوب چار نهٔ دی او هیله يې هم نهٔ کوي او ورته کرکجنه او وېرونکـې هم ده. دوی له مړینې وېرېږي؛ځکه لـه خانـه او لـه خپلـو کړنو وېرېږي.

ای که مې ترسي ز مرگ اندر فرار
هان ز خود ترسانی ای جان هوشدار
زشت،روی توست نی رخسار مرگ
جان تو همچون درخت و مرگ،برگ

که څوک دا شان "نړۍ لید" ولري او عملا بریالی هـم شي، دهغه زده کوونکـي په څېر دی،چې پرله پسې زده کړه يې کړې او دهغه بزګر په شان دی،چې سخت زیـار يـې ګاللی.څرګنده ده، چې دا زده کوونکی به وطن ته د بېرته ستنېدنې هیله لري او وطن،خپلـوان او ملګـري بـه يـې یادېږي او همداشان هغه بزګر، چـې دداسـې ورځـې پـه هیله دی،چې کار يې پای ته ورسي او محصول کـور تـه یوسي. دا زده کوونکی سره له دې،چې د وطـن هیلـه پـه کې؛لکه د اور لمبې وهي؛خو ورسره مبارزه کوي؛ځکه نهٔ غواړي زده کړې يې ناتمامه پاتې شي او همـداراز هغـه بزګر کله هم خپل کار او دنده له هیلې نهٔ بلهاروي.

"اولیاء الله" د هغـه زده کوونکـي پـه څـېر بریـالي دي،چې بلې نړۍ ته تګ (،چې نوم يې مړینـه ده)، ورتـه یوه هیله ده، داسې هیله، چې یوه شېبه يـې هم ارام نهٔ پرېږدي. حضرت علي کرم الله وجهه وايي: ((که خـدای ورته اجل نهٔ و ټاکلی؛نو د ثوابونو له شوقه او د سزاګانو له وېرې به يې ارواح په بدن کې نهٔ وو پاتې شوي.))

په عین حال کې "اولیاء اللـه" پـه مړینې پسې نهٔ ځي؛ځکه د کار،عمل او تکامل یوازېنۍ فرصت همـدا ځـیز دی،چـې د "عمـر" نـوم مـو پـرې اېـښی دی او پوهېږي،چې څومره ډېر پاتې شي؛نو انساني کـمالات پـه غوره توګه لاس ته راوړای شي. په تولیزه توګه، له مړینـې سره مبارزه کوي او تل له خدایه د عمر د اوږدوالي دعـا کوي.

ادامه لری...

مروری بر برخی حوادث امنیتی

فیض



۱۹میزان:

عبدالقادر یکی از قوماندانان پیشین حزب اسلامی و نامزد شورای ولایتی کاپیسا، توسط افراد مسلح ناشناس کشته شد. به گفتهٔ عبدالجلیل شمال آمر امنیت قوماندانی امنیهٔ ولایت کاپیسا به رسانه ها، عبدالقادر، باشنده قریهٔ آبشار درهٔ غوث ولسوالی نجراب بود.

۲۰میزان:

در یک حمله انتحاری در مقابل ساختمان فرماندهی پولیس ولایت ننگرهار رخ داد؛ حداقل ۱۰ تن به شمول افراد نظامی و ملکی کشته و زخمی شدند. به گفتهٔ قوماندان امنیه این ولایت، در این رویداد، علاوه بر کشته شدن دو پولیس و زخم برداشتن دو تن دیگر آنها، یک فرد ملکی نیز کشته و پنج تن دیگر شان زخمی شده اند. این حمله، با یک موتر نوع کرولا که مملو از مواد انفجاری بوده در شهر جلال آباد صورت گرفته است.

به گزارش رسانه ها، در نتیجهٔ عملیات نیروهای پولیس محلی و امنیت ملی، یک موتر مملو از مواد انفجاری در منطقه جمال ولسوالی اندر ولایت غزنی کشف و منفجر شد. ولسوال اندر ولایت غزنی گفته است که مخالفان مسلح، یک موتر نوع مازدا (Mazda) را مملو از موادانفجاری نموده و قصد داشتند که در روزهای عید سعید قربان در بازار ولسوالی اندر ولایت غزنی منجر سازد.

۲۲میزان:

ارسلا جمال والی لوگر در نتیجهٔ انفجار یک بمب جاسازی شده در یک جلد نسخهٔ قرآن شریف، در داخل مسجد جامع ولایت لوگر به شهادت رسید. بقول مقامات رسمی، والی لوگر حین یک خطابه به مناسبت عید سعید اضحی در یک مسجد جامع آن ولایت هدف قرار گرفت. سخنگوی ولایت لوگر در صحبت به رسانه ها گفته است، بمب در پشت میز خطابه جاسازی شده بود و هنگامی که والی لوگر پیام تبریکی خود را به مناسبت عید قربان ایراد می کرد، بمب انفجار کرد و ارسلا جمال شهید شد. سخنگوی ولایت لوگر افزود که در اثر این انفجار ۱۵ تن دیگر که در صف اول نمازگزاران قرار داشتند نیز زخمی شدند. با آنکه حفظ امنیت مقامات دولتی از جملهٔ وظایف مهم نیروهای امنیتی کشور است، اما گفته می شود، مواد انفجاری احتمالاً در روز های قبل با مهارت خاصی در پشت میز خطابه جاسازی شده باشد.

۲۸میزان:

پولیس هرات موفق شد تا در عملیاتی فوری، یک باند آدم ربایی را متلاشی و اعضای آن را دستگیر کند. مقامات فرماندهی پولیس ولایت هرات گفته اند که این باند، متشکل از سه نفر بود که در آخرین مورد، یک کودک حدودا ۱۳ ساله را ربوده بودند. جنرال سمیع الله قطره، فرماندهٔ پولیس ولایت هرات طی یک کنفرانس خبری، گفته است؛ این افراد که از باشندگان ولسوالی کرخ می باشند؛ که فرزند یکتن از متنفذان قومی را ربودند." به گفتهٔ آقای قطره، پولیس هرات در یک اقدام فوری این کودک را از چنگ اختطاف گران رها ساخته و به خانواده اش تحویل دادند.

۲۹ میزان:

در انفجار ماین در مربوطات حوزهٔ پنجم در ساحهٔ چوک کوته سنگی کابل صبح امروز یک تن کشته شد. صدیق صدیقی سخنگوی وزارت امور داخله به رسانه ها گفته است که این رویداد که حوالی ساعت ۶:۳۰ صبح رخ داده، ناشی از انفجار ماین جاسازی شده در داخل یک موتر نوع کرولا بوده است.

۲ عقرب:

چهار منسوب اردوی ملی، در حملات مسلحانه و انفجار ماین در ولایات جوزجان، کنر و غزنی، جان باخته و شش تن دیگر جراحت برداشته است.

ازین جمله، دو سرباز اردوی ملی در ولسوالی دولت آباد ولایت جوزجان، به قتل رسیده است.

سمونوال فقیرمحمد جوزجانی قوماندان امنیهٔ جوزجان، در تماس با رسانه ها گفت که این دو سرباز، در لباس شخصی بودند که صبح امروز پس از برگشت از یک محفل عروسی، در کنار سرک عمومی آن ولسوالی مورد حمله قرار گرفتند.

همایش بزرگ جهانی در هرات

کوهی

در ماه های آخیر بعد از همایش کشور های اسلامی در هفتهٔ صلح از سوی شورای عالی صلح و سازمان همکاری کشور های اسلامی در کابل که در آن دانشمندان کشور های مختلف اسلامی، منطقه و دانشمندان داخل کشور شرکت نموده بودند، که به ذات خود یک دست آورد بزرگ برای کشور بود. این بار حدود سه هفته پیش، شهر هرات شاهد یک چنین همایش جهانی بوده است که در آن متخصین بیش از سی کشور جهان شرکت نموده بودند و محور های بحث آنها را، توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی، حسن همجواری، مبارزه با افراط گرایی و جستجو راه های بستر سیاسی سالم تشکیل می داد.

مشمولین این همایش پیرامون این محور ها به بحث و گفتگو پرداختند. این همایش در شرایط کنونی موجود افغانستان یک گام مثمر و مهم شمرده می شود؛ زیرا در این همایش برخی از سیاست گزاران، اقتصاد دانان و نظریه پردازان کشور های مختلف اشتراک نموده بودند و مشوره های سالم میان آنها تعاطی گردید.

در این همایش یک سلسله مشوره ها، نظرات و راه های حل توسعه اجتماعی طی دو روز صورت گرفت و برای نخستن بار دانشمندان افغانستان و کشور های مختلف جهان نظرات خود را در زمینه های توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی با دانشمندان افغانستانی شریک ساختند.

این همایش بیشتر بالای افکار و تعاطی اندیشه های استوار بود، تا صدور قطعه نامه و تشریفات دولتی. در این همایش دانشمندان کشور های ترکیه، هندوستان، ایران، آسیای میانه، چین و از جامعهٔ اروپا و امریکا شرکت ورزیده بودند. در این همایش راه های ورود به امنیت، همگرایی منطقه یی، توسعه و گسترش دموکراسی، آزادی بیان و شیوه های حکومت داری خوب، به تحلیل گرفته شد و دانشمندان مشمول این همایش در این زمینه ها و بستر ها به گفتگو پرداختند.

در این همایش روی حسن همجواری میان افغانستان، پاکستان، ایران و سایر کشور ها به بررسی گرفته شد و بر حیات مسالمت آمیز تاکید صورت گرفت. این اشتراک کننده گان، بر همگرایی، همسویی، تفاهم، توسعه اقتصادی و اجتماعی، راه های ترانزیت و یافتن محور های مشترک میان کشور ها تاکید نمودند.

افراط گرایی و دهشت افگنی را دشمن صلح، ثبات و استقرار در منطقه و جهان خواندند. برگزاری یک چنین همایش در افغانستان آن هم در یکی از ولایات این کشور حاکی از امنیت قابل اطمینان در کشور می باشد که توانسته است یک چنین گردهمایی بزرگ را به وجود آورد. در حکومت ۱۲ ساله پس از طالبان در افغانستان یک چنین همایش های بزرگ جهانی در کشور برگزار گردیده است و در این همایش ها تعهد جامعهٔ جهانی مبنی بر توسعه، ثبات، امنیت و ایجاد حکومت داری خوب تاکید شده است. این همایش پیش از آن که یک کنفرانس دولتی محض بوده باشد و با صدور قطعه نامه پایان پذیرفته باشد، یک نشست تبادل افکار، آراء و اشتراک نظرات در زمینه های توسعهٔ اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و زنده گی مسالمت آمیز با کشور ها می باشد.

تداوم یک چنین برنامه ها، تبادل افکار و راه یابی حل مشکلات، می تواند رابطهٔ این کشور را با سایر کشور برقرار سازد. ما به تبادل افکار و تضمین منافع مشترک ملی با کشور های دور و نزدیک نیاز داریم و در طی چنین همایش های منطقه یی و جهانی منافع ملی ما بیشتر روشن می گردد؛ زیرا هیچ کشور در جهان نیست که منافع ملی خود را قربانی منافع دیگران سازد. آنچه در افغانستان در شرایط کنونی قابل دقت و بررسی می باشد، موضوع زنده گی مسالمت آمیز، دیپلوماسی فعال و حسن همجواری با کشور های همسایه و تعامل سیاسی با جهان می باشد، در غیر آن ما به طرف انزوا رفته و کشور در یک عقب مانده گی ممتد قرار می گیرد.

روی این پرنسیپ، وجود یک چنین نشست های منقطه یی و جهانی برای این مملکت حیاتی می باشد و کشور را می تواند از انزوای سیاسی و اقتصادی بیرون آورد. مردم افغانستان برای نخستین بار در یک جشن ملی شرکت نمودند که آن قهرمانی این کشور در بازی های جنوب آسیا بوده است. این پیروزی ما را با دنیا وصل نمود و کشور از انزوا بیرون ساخته شد. ما با شیوه های ممکنه تلاش می نماییم تا افغانستان از انزوای سیاسی، اقتصادی بیرون آورده شود و نتیجهٔ این کار، همان توسعهٔ سیاسی و اجتماعی می باشد.

د ټاکنو د موده...

پروسي په وروستي پړاو کې داخلېدل هم ایجابوي چې افغان دولت خپله امنیتی پیاوړتیا وښایي څو د بهرنیو پوځونو شتون لپاره نوره اړتیا پاتې نشي او په ځانګړې تو ګه پداسي شرایطو کې چې ولسمشر کرزي د امریکا سره د امنیتي مراکزو په سر د تړون په مسئله کې د قضایي مصؤونیت له هغي مهمي مسئلي څخه د خپلو اوږو سپکولو لپاره د لویې جرګې اعلان کړی او بیا داسې خلک یې ددې جرګې لپاره د اداري هیأت او کمیسون په سر کې ټاکلي چې هغوی تل له ویش څخه په تالان خوښ پاتې شوي او د امریکا د خوښې لاسته راوړلو لامله ددې توانایي نلري چې د یوې حقیقي جرګې دایرولو طمع دې ورڅخه وشي او لکه چې د حضرت صیب د لومړنیو څرګنوونو څخه څرګنده شوه، له اوسه یې لاسونه اوچت کړل؛ نو داسې کمیسون به په کوم معیار او کله ریښتوني افغانان او د خپلواکۍ هوډ لرونکي شخصیتونه جرګې ته راوبلي ؟ چې دغه کار به د ټاکنو د ترسره کولوپه وړاندې نور ګواښونه هم راولاړ کړي او ټاکنې به له ننګونو سره مخ کړي ؛ ځکه لا دمخه د طالبانو او اسلامي حزب قیادتونو د امریکا سره د امنیتي تړون او ټاکنو مخالفت کړیدی او له وسله والو مخالفیوسربېره د هیواد قاطع چپ اکثریت هم د امریکا سره د داسې امنیتي تړون مخالفت کوي چې پکې د قضایي مصؤونیت ورکولو پر بنیاد د (رابرت بېلز) د هغې پېښې بار بار تکراریدو حق امریکایي ځواکونوته ورکړل شي، چې د کندهار په پنجوایي ولسوالۍ کې یې شپاړس بې ګناه او معصوم افغانان ماشومان، ښځې او بوډاګان وژلي وو او امریکایي محکمې نوموړی له اعدام څخه بچ کړ .نو که چېرې د داسې یې ضرورته جرګې دایرول صورت ومومي او هغه هم په یو سمبولیک او فرمایشي ډول رامنځته شي چې د کمیسون د مشرانو په خبر افغانان پکې شتون ولري، نو نه یوازې دا چې ولسمشر کرزی ځان له تاریخي مسوولیت څخه پدې توګه خلاصولې نشي؛ بلکې د ټاکنو په وړاندې د نا امنیو د دایرې د پراخیدو لپاره په زمینو برابرولو سره به کرزی افغان ولس ته پدې اړه هم ځواب ویونکی اوسي چې د ولس د قاطع اکثریت له ارادې خلاف جرګې دایرولو تابیا نیسي. او هم د خپل واک غزولو لپاره داسې پلمې برابروي چې د ټاکنولپاره د نوم لیکنې د پروسې له اعلان وروسته ورځ تر بلې رامینځته کېدونکې د نا امنیو د پېښو دېریدل یې غمازي کوي چې د افغان ولس د خپلواکۍ له لاسه ورکولو په بیه ښایي تمام شي او په هغه صورت کې به نه یوازې دا چې ولسمشر کرزی مسوول وي. بلکې په افغان ولس کې د قیادتونو نه شتون (؟!) لامله هغه سپین ږیري هم ځواب ویونکي دي چې ولسمشرکرزی یې د افغان ولس د مشرانو په نوم پېژنې .

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد.

● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا

دور ششم –سال دوازدهم – شمارهٔ بیستم و نهم ۴ عقرب ۱۳۹۲ ۲۱ ذوالحجه الحرام ۱۴۳۴ - 26 October 2013

اعلان لست نهایی نامزدان ریاست جمهوری و اعتراض حذف شده ها



یوسف نورستانی رئیس کمیسیون انتخابات چند روز پیش اعلام کرد که از مجموع کسانی که برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری ثبت نام کرده بودند، صلاحیت ده نفر از سوی این کمیسیون تایید شده است.

آقای نورستانی در یک کنفرانس خبری گفت: صلاحیت افراد (نامزدان) بر اساس قانون انتخابات بررسی شده و علاوه بر آن در مورد تابعیت افراد از وزارت امور خارجه اطلاعات لازم را بدست آوردیم.

در عین حال رئیس کمیسیون انتخابات، افزود کسانی که صلاحیت شان تایید نشده می توانند با مراجعه به کمیسیون بررسی شکایت های انتخاباتی، مسئله را پیگیری کنند.

کسانی که در فهرست ابتدایی تایید شده اند به این شرح اند:

عبدالرب رسول سیاف، از رهبران جهادی و نماینده پیشین مجلس.

اشرف غنی احمدزی، مسوول پیشین برنامه انتقال مسوولیت ها از ناتو به نیروهای داخلی.

عبدالله عبدالله، وزیر خارجه اسبق و رهبر ائتلاف ملی.

عبدالرحیم وردک، وزیر دفاع پیشین.

هدایت امین ارسلا، مشاور ارشد پیشین حامد کرزی.

زلمی رسول،وزیر پیشین خارجه

قطب الدین هلال، رئیس پیشین کمیته سیاسی حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمتیار.

قیوم کرزی، برادر رئیس جمهور کرزی

گل آقا شیرزی والی پیشین ننگرهار

و سردار نادر نعیم، نوه برادر سردار داوود خان.

فهرست نامزدان رد صلاحیت شده:

انورالحق احدی وزیر پیشین تجارت و صنایع

سید اسحق گیلانی عضو پیشین مجلس

عزیزالله لودین رئیس پیشین اداره مبارزه با فساد اداری

فضل کریم نجیمی

خدیجه غزنوی

بسم الله شیر

سرور احمدزی

حمیدالله قادری

داوود سلطان‌زوی

حشمت‌غنی احمدزی

نادرشاه احمدزی

دکتر فاروق اعظم

سلمان علی دوست‌زاده

عبد الهادی دبیر

داور احمد نادی

نور الرحمان لیوال

*دل آقا کوهدامنی، یکی دیگر از نامزدان چند هفته قبل به دلیل کمبود اسناد کافی رد صلاحیت شده بود

در همین حال کمیسیون رسیدگی به شکایت‌های انتخاباتی می‌گوید که تا کنون بیش از صد نفر به حذف نامشان از فهرست ابتدایی نامزدان انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی اعتراض کرده‌اند.

دلیل حذف این افراد داشتن تابعیت کشورهای بیرونی، عدم تکمیل فورم شرایط نامزدی و مسایل نا معلوم دیگر اعلام شده است. این در حالیست که اکثریت افراد باز مانده از لست طی ۱۲ سال حکومت آقای کرزی در پست ها و مناسب بلند دولتی کار کرده اند و چندین بار از ولسی جرگه رأی اعتماد بدست آوردند.

شماری از افرادی که نامشان از فهرست ابتدایی نامزدان انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی حذف شده، تصمیم کمیسیون انتخابات را غیر عادلانه خوانده وآنان بی دلیل از این فهرست کنار زده شده‌اند. فهرست ابتدای در حالی نشر می گردد که انتظار می رفت برخی از چهره های باقی مانده در لست به دلیل داشتن دو پاسپورت از لست نیز حذف شوند. قرار است انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی کشور به تاریخ شانزدهم حمل ۱۳۹۳ برگزار شود.

د ټاکنو د مودې رانږدې کېده او د ناامنیو ډېروالی

زهیر افغان

لـه کومـې ورځـې راهیـسې چـې د ولسمشرۍ او ولایتي شوراګانو لپاره د نوم لیکنې د پروسې اعلان شوی دی، په هیواد کې ناامنۍ ورځ تر بلې ډېرې شوې دي او هم د دولت د مهمو څېرو ترور کول ډېر شوي دي .

د دغې پروسې له اعلان سره سم نږدې یوه میاشت وړاندې د کندز ولایت د ټاکنو مسؤول وژل شوی وو او بیا په ډېرو سیمو کې د داسې مرکزونو د ترلو خبرونه خپاره شو چې لدې مخکې د دولت د مخالفینو د ولکې لاندې نه وو ؛ پداسې حال کې چې حکومت په ظاهره په ډېرو هغو سیموکې هم د دولت د مخالفینو له ولکې څخه د ټاکنو د مرکزونو د ویستلو د تابیا نیولو هوډ څرګندوي او وخت ناوخته پدې اړه اعلانونه کوي .

همدارنګه له بلې خوا د نا امنیو دایره دومره پراخېږي چې د کابل سره په سرحد کې پراته ولایت لوګر والي (ارسلا جمال) د اختر په ورځو کې په جومات کې دننه په شهادت رسیږي ، سره ددې چې د بشپړو امنیتي تیاریو خبر له مخکې څخه ورکول شوی وو او هم د والي لخوا اړوندو ادارو ته د ځانګړو اقداماتو سپارښتنه شوې وه؛ د بغلان په ولایت کې د غوربند لـه لیارې بامیانوته غزیدلې لیار له نږدې یوې اونۍ څخه د دولت د وسلوالو مخالفینو د پرلـه پسې جګړې لامله ترل شوی او دې ته ورته وضع په ګڼو نورو شمالي ولایتونو لکه بدخشان او کندز کې له یوې اوږدې مودې راهیسې رامینځته شوې ده او د هیواد دجنوبي او لویدیځو ولایتونو د نا امنیو تر څنګه په مشرقی ولایتونو لکه کنړ کې د ځانګړي کوماندویي ځواکونو یو قوماندان له خپلو جنګي وسایلو سره سره لـه وسله والو مخالفینو سره یوځای کیږي او هم ورته وضعیت د ننګرهار ولایت په خوګیانیو ، شینوارو او بټي کوټ ولسوالیوکې حاکم دی، چې تېره اونۍ په خوګیانو ولسوالۍ کې بیا طالبانو په دولتي ځواکونو برید کړی او ګڼ تلفات یې لرل او هم دوه اونۍ وړاندې د جلال آباد ــ تورخم لویه لیار او بیا یوځل د جلال آباد ــ کابل لیاره د وسله والو مخالفینو لخوا د څوساعتونو لپاره ترل شوې وه او ځینې سورلۍ یې په دواړو لیارو کې له ځانونو سره بېولې وې. دا او داسې نورې ګڼې پیښې د څه غمازي کوي؟ چې لـه یوې خوا باید د ټاکنو د رانږدې والي لامله دولت هڅه وکړي څو د نورو هغو ټاکنیزو مراکزو د پرانستلو لپاره د خپل حاکمیت دایره پراخه کړي او له بلې خوا د واک د لېږد **۷مـخ**

د ملګرو ملتونو سازمان ، حیثیت او افادیت یې

شفیق

له نن څخه ٦٨ کلونه وړاندې د امریکا د ((سانفراسیسکو)) په ښار کې د دوهمې نړیوالې جګړې پای ته رسولو لپاره د هغو هیوادونو د پرلـه پسې هڅو په نتیجه کې د ملتونو ټولنې (جامعه ملل) د بدیل په توګه د ملګرو ملتونو په نوم سازمان رامینځته شو، چې د محور هیوادونو (المان ، جاپان او ایټالیا) پر خلاف سره متحد شوي وو. او د بین المتحدي، د انتلانتیک منشور، د متحدو ملتونو اعلامیې، مسکو او تهران کنفرانسونو او بالاخره د ((دمبارتن اوکس او یالتا))له کنفرانسونو وروسته چې په ((یالتا)) کې یې منشور بشپړ شو، ددغه نړیوال سازمان وجود په سانفراسیسکو کې په رسمي توګه د اکتوبر په څلېرویشتمه نیټه د ملتونو د حاکمیتونو د برابرۍ او تساوي پر اصل اعلان او د لومړي ځل لپاره د یو پنځوس هیوادونو لخوا یې منشور لاسلیک شو. چې ددغه نړیوال سازمان له ټولو مهم رکن ((د امنیت شورا)) د پنځو دایمي غړو : انګلستان ، د امریکا متحده آیالتونو، فرانسې، شوروي اتحاد او چین سربېره د لاتیني امریکا شل هیوادونه او هغه مهال پنځه مهم اسلامي هیوادونه (سوریه ، عراق، ایران ، مصر او اردن) او نور پاتې هیوادونه یې لومړني غړي وو چې په ١٩٤٦ کال افغانستان هم ددې سازمان غړیتوب ترلاسه کړ .

ددغه سازمان په موخو کې لـه ټولو مهمه موخه د نړیوال امنیت او سولې ساتنه ده ؛ چې د خپل منشور د (۲۴ ـ ۲۷) پورې موادو کې د امنیت شورا ته دغه موخه د لومړني او اساسي هدف په توګه سپارل شوې ده خو د امنیت شورا په جوړښت کې د دایمي او غیر دایمي غړو ترمینځه د فیل او مېږي په توپیر وزن ددې لامل شوی چې د نړۍ په ډیرو حل غوښتونکو مسایلو کې دغه سازمان هغسې رول ونشي لوبولای چې د یو مینځګړي او بې پرې سازمان په توګه یې باید ولوباوي ؛څکه په مهمو مسایلو کې د ((امنیت شورا)) د جبري او قهري مداخلې لپاره د کیفي اکثریت راې ورکولو د روش لامله، چې د پنځو دایمي غړو لپاره د ویټو (چېلنج کولو او فیصلې ته نه پرېښودلو) حق حاصل شوی، دغو پنځو دایمي غړو د ٦٨ کلونو په دوران کې تر دا مهاله هر یو یې د عدالت او حق خلاف خپل دغه امتیازي حق **۴مخ**

United Nations